



# برجاء اهل اشتهار

فتح الله حاج محمدی



بیتا اور



موسسہ ایشیائی فروغ نور

---

---

بر ساحل انتظار / نویسنده: ذبیح ا... حاج محمدی. -  
انتشارات فروغ نور: ۱۳۸۰، ۱۲۸ ص.

ISBN:964-93306-1-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
۱. مهدویت.

۲. مهدویت - - انتظار. الف. عنوان.

کتابخانه ملی ایران محل نگهداری: ۱۴۷۷۴-۸۰ م

---

---

# برسائل اشعار

فریح اللہ حاج محمدی

تہران، پاییز ۱۳۸۰



بر ساحل انتظار  
ذبیح الله حاج محمدی  
چاپ اول: پاییز ۱۳۸۰  
تایپ و صفحه آرایی: فدک رایانه افسریه  
طرح روی جلد: محمد حاج محمدی  
ویراستار: علی حاج محمدی  
لیتوگرافی: آئین پیام  
چاپ: هدیه  
صحافی: دلشاد  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه  
شابک: ۹۶۴-۹۳۳۰۶-۱-۵

«حقوق چاپ و نشر محفوظ است»

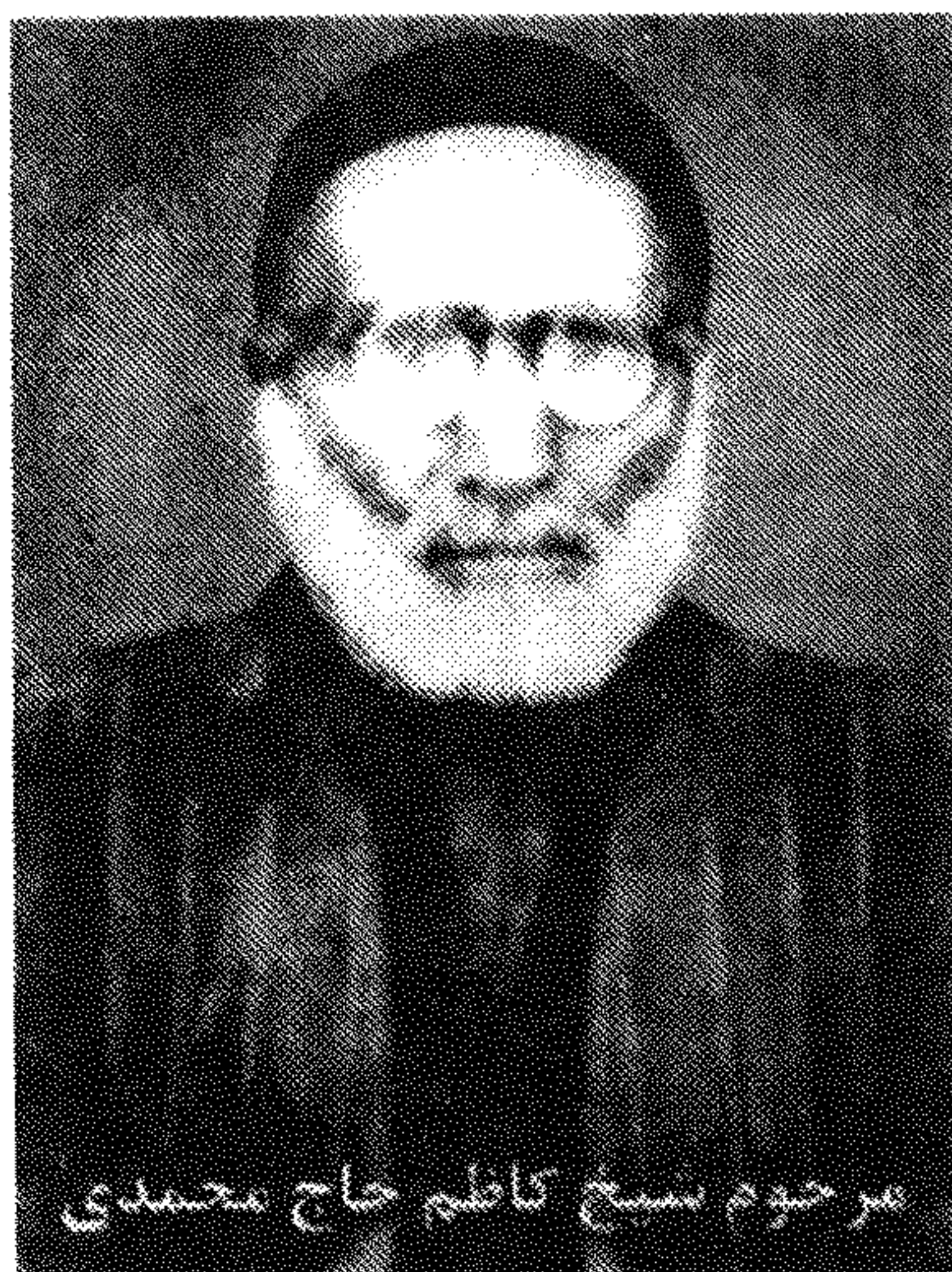
---

افسریه، ۱۵ متری اول، بین خ ۴۲ و ۴۳، جنب مسجد فاطمیه (س)، فدک رایانه

تلفن: ۳۸۰۷۲۲۲

۷۰۰۰ ریال

اهدای این کتاب به پیشگاه امام  
زمان (عج) و روح پر فتوح امام  
امت (ره) و نایب برحقش آیت الله  
العظمی خامنه ای و به روح پدر  
بزرگوارم شهدی کاظم ومادر  
بردبارم فرجس خاتون که مرا عاشق  
اهل بیت نمودند و به همسر م که در  
فراز و نشیب زندگی همراه من بوده  
است.



عکس پدر مؤلف ، هم او که ۸۴ سال عمر پربرکت خود را در راه  
عبادت و تلاش و شناخت خداوند تعالی صرف نمود و هر شب به  
انتظار ظهور امام زمان (عج) سر به بالین می گذاشت و می فرمود:  
« منتظرم صبح که از خواب بیدار شدم  
ندای آسمانی از جرم آفتاب به گوشم برسد.»

## «پیشگفتار»

عصر «غیبت»، در اصل، دوران «عدم قابلیت» است برای درک «حضور» امام (عج)، و «ظهور» نشانه بروز شایستگی و اهلیت به حساب می آید و فاصله بین این دو نقطه «انتظار» است که تمامی مومنین حاضر، در این فاصله، در نیمه راه انتظار قرار دارند.

منتظر، نیمی از راه را آمده و در تکاپوی پیمودن نیم دیگر راه، در التهاب «حضور» بی تاب است. منتظر دل را خانه محبت آن حضرت می کند؛ و زندگی خود را با انتظار ظهور گره می زند. منتظر در تمام عمر سعی می کند، «مهدی شناس»، «مهدی دوست» و «مهدی طلب» باشد. آمادگی و مهیا شدن برای درک مقام و عمل آن حضرت، جز با تلاش در جهت تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای ایشان، میسر نمی شود.

امام منتظر ما مخاطبی به وسعت تمام بشریت دارد، بشر خسته ظلم و جور مخاطب آن حضرت است و ما در یک گوشه ی کوچک از جهان بزرگ مسئولیم، مسئولیم تا شخصیت، مرام، شکوه، عظمت و معصومیت آن امام مبین را درک کنیم، بشناسیم و «بشناسانیم» تا «عدل» را تا آنجا که می توانیم و در هر زمینه ای که قدرت داریم اجرا کنیم. امام زمان (عج) کل قرآن، گل رعنا نرگس، و سی جزء همه گل های عرش.

قلبش عرش اعلاى خدا و چشمان نجییش تفسیر عصمت و مناجات

محض ابدیت است.



آئینه اهل بیت، معشوق شهیدان و تمام آیات است و «حکومت جهانی اش» حکومت «مستضعفین»، «وارثین» و «ائمه» است.

در این زمان که دهکده ی جهانی جولانگاه قبایل وحشی زمانه است و نغمه های مرغانِ رهایی غریب مانده اند و آهوانِ معصوم آزادی را در کمین گاه های هراس به کمند کشیده اند و کبوتران صلح در آسمان سیاه ستم به چشم نمی خورند و اگر صدایی هست صدای شکسته شدن استخوانهای هایلیمان است، باید به امید ظهور آن حضرت پنجره چشمانمان را بگشاییم و آینه اشکهایمان را آشوب تمنای «آمین» حضرتش کنیم و پرندگان خیالمان را برای آمدنش بر کنگره ی آسمان دخیل بندیم، تا در صبحی زیبا نسیمهای قاصد خبر آمدنش را به مژدگان آورند و ان شاء الله در کعبه ی آمال همه مسلمین عالم به نماز ایستد و مؤمنین، سفره دلهای ناگفته ی فراق را در حضورش بگشایند و خطاب به حضرتش عرضه دارند:

مولا جان! ذره ذره ارض و سماء چشم به ظهورت گشوده و انتظار آمدنت را کشیده. جان و روح ما تویی. جان مولا علی (علیه السلام) کاری کن و ما را از حبی غیر حب حق نجات ده، و از هر ذاتی غیر ذات حق منفک ساز و از هر وجودی غیر وجود خدا خلع نما و در عین علق مجردمان ساز.

امید آنکه در فصل غربت انتظار همگان با پشتیبانی از «ولایت فقیه» زمینه ساز ظهور حضرتش باشیم.

**علی حاجی محمدی**

## «مقدمه»

رسول اکرم (ص) به حدیث متواتر فرمودند: «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمْ  
الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی ما ان تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا ابداً» (کتاب  
الغدیر) من در میان شما دو سرمایه نفیس و گرانبها بر جای می گذارم:  
قرآن و عترتم؛ تا هنگامی که به آندو چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید  
شد.

تعدادی از آیات قرآن مجید (که تاویل آنها را ائمه اطهار فرموده اند)  
راجع به آخر الزمان و قیام حضرت و رجعت و چند روایت در شأن امام  
زمان و مقدمه بودن انقلاب اسلامی برای آن ذی المقدمه بزرگ در این  
کتاب جمع شده است. امید است که در فصل غربت انتظار، همگان با  
پشتیبانی از ولایت فقیه، زمینه ساز انتظار واقعی جهت ظهور  
حضرتش باشیم.

انشاء الله

## «فهرست»

۱۳	اصالت مهدویت
۲۹	امکان عمر طولانی
۳۷	مقوله دعا در عرصه ظهور
۴۹	انتظار
۵۹	علامات ظهور در قرآن و حدیث
۹۱	رجعت در قرآن و حدیث
۱۰۱	انقلاب اسلامی در قرآن و حدیث
۱۰۹	مثنوی فورشید امامت از مؤلف
۱۱۷	نمایه
۱۲۱	منابع

# اصالت مهدویت

در زیور

در تورات

در انجیل

در کتب هندی

در منابع زرتشت

در نزد ملتها

در اندیشهٔ وسیعتر



اصالت مهدویت از مسائل مطرح در بین المذاهب است و تمام مذاهب از ظهور مصلحی در آخر زمان خبر داده اند. اگر چه کتب آسمانی، بجز قرآن، دستخوش تحریف شده است، باز جملاتی مصون از دستبرد در تمام کتب آسمانی بر جا مانده است؛ از آنجمله از آمدن مهدی (عج) موعود، بنیان گذار حکومت واحد جهانی گفتگو شده است. این مسائل از مغیبات (پیشگویی مرتبط به آینده) می باشد و مضامین آن در قرآن کریم و اخبار متواتر اسلامی وارد شده است. به همین سبب مسلم است که عبارتها ریشه در وحی دارد. اینک قسمتی از نویدهای مهدی موعود را از کتب مقدسه یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتب نقل می کنیم تا اصالت مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مهدی موعود (عج) روشن گردد.

مهدی موعود (عج) در زبور داود (ع)

در زبور داود نبی علیه السلام که تحت عنوان **مزامیر** در لابلای عهد عتیق آمده است، نویدهایی درباره حضرت مهدی داده شده است. در هر بخشی از **زبور** اشاره ای به ظهور حضرت و نوید پیروزی صالحان بر مشرکان می بینیم. مطالبی که **قرآن** پیرامون ظهور مهدی موعود (عج) مطرح نموده است در **زبور** فعلی نیز عیناً موجود می باشد و از تحریف مصون مانده است. **قرآن** می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء ۱۰۵) یعنی "ما بعد از **تورات** در **زبور** نوشتیم: **بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.**" طبق روایات متواتر که از طریق شیعه و سنی وارد شده است، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد. **قرآن** این مطلب را از **زبور** نقل می کند و عین همین عبارت در **زبور** موجود است.

در **زبور** داود نبی علیه السلام آمده است: «شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد. همان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان رامی داند و میراث آنها خواهد بود الی الأبد. (کتاب **مزامیر**، مزمور ۳۷ بندهای ۹-۱۲-۱۷-۱۸) و در فصل دیگری فرماید:

## ۱۷ / اصالت مهدویت

«قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و برّی آن غرش نماید. صحرا و آنچه در آنست به وجد آید. تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود زیرا که می آید؛ زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به امانت خود میرساند» (کتاب مزامیر؛ مزمور ۹۶؛ بندهای ۱۰-۱۳) البته نویدهای فراوانی در مزامیر ۱۵۰ گانه موجود است. حدود ۳۵ بخش از مزامیر عهد عتیق به نوید ظهور مرتبط است.

### مهدی موعود(عج) در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن)

در سفر پیدایش چنین می خوانیم: «خداوند به ابراهیم گفت: به ذریه تو این زمین را می بخشم. تمام این زمین را که می بینی به تو و ذریه تو تا به ابد خواهم بخشید ... به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار. هرگاه توانی آنها را شمرد! ... ذریه تو نیز چنین خواهد بود ... من هستم یهوه که ترا از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین به ارثیت تو بخشم. (فصل ۱۲ بند ۷ و فصل ۱۳ بند ۱۵ و فصل ۱۵ بندهای ۵-۸) در جای دیگر نام تو ابراهیم خواهد بود. زیرا که ترا پدرا متّهای بسیار گردانیدم. ترا بسیار بارور نمایم، و امتّها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو بوجود آیند. و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریه بعد از تو استوار گردانم که نسلا بعد نسل عهد جاودانی باشد ... اما در خصوص اسماعیل؛ ترا اجابت فرمودم.

## ۱۸ / بر ساحل انتظار

اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم ... از ابراهیم امتی بزرگ و زور آور پدید خواهد آمد و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت. (سفر پیدایش فصل ۱۷ بندهای ۵-۸-۲۰ و فصل ۱۸ بند

(۱۹)

جای دیگر فرموده: « و نهالی از تنه یسی (نام پدر داود) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت، و روح خدا به او قرار خواهد گرفت ... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد ... گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند ... در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد (کتاب اشعیا نبی فصل ۱۱ بندهای ۱-۱۰). جای دیگر فرمود: « بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهودا به ظهور خواهم رسانید و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم، ساکن آن خواهند شد. اما شما (قوم یهود) که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس مرا فراموش نموده اید و مانده به جهت بخت مهیا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتفاق ریخته اید؛ پس شما را به جهت شمشیر مقدر ساختیم و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد ... و اورشلیم را محل وجد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد



## ۱۹ / اصالت مهدویت

شد (اشعیا نبی فصل ۶۵ بندهای ۹-۱۳-۱۸-۲۰). و می فرماید: «اگر چه تاخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشان فراهم می آورد.» (کتاب حیقوق نبی فصل ۲ بندهای ۳-۵) جهت اختصار به همین بسنده می کنیم. شما می توانید به کتاب عهد عتیق مراجعه نموده و فصول اشعیا نبی (فصل ۱ و ۴۵)، زکریا نبی (فصل ۱۴)، صفیا نبی (فصل ۳)، سلیمان نبی (فصل ۲)، حجی نبی (فصل ۲)، سموئیل اول (فصل ۲)، سموئیل دوم (فصل ۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل ۲۱) را ملاحظه نمایید.

### مهدی موعود (عج) در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)

در انجیل برنابا نویدهای حضرت مهدی (عج) به صراحت آمده است. اما چون مسیحیان آنرا معتبر نمی دانند، ما نویدهای موجود در اناجیل معتبره را ذکر می کنیم. می فرماید: «همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز همچنین خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوائف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان یاقوت و جلال می آید... آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ اما سخن من هرگز زایل نخواهد شد. از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد، حتی

## ۲۰ / بر ساحل انتظار

ملائکه آسمان ... لهذا شما نیز حاضر باشید. زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید.» (انجیل متی فصل ۲۴ بندهای ۲۷-۳۰-۳۵-۳۷ و ۴۵) و فرمود: «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود می آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند، و آنها را از همدیگر جدا می کنند، به قسمی که شبان، میش ها را از بزها جدا می کند.» (انجیل متی فصل ۲۵ بندهای ۳۱-۳۲) و می فرماید: «... ولی از آن روز و ساعت، ... هیچکس اطلاع ندارد. پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید. زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.» (انجیل مرقس فصل ۱۳ بندهای ۲۶-۲۷-۳۱-۳۲)

### مهدی موعود (عج) در کتب مقدس هندیان

در کتب مقدسی که میان هندیان به عنوان کتب آسمانی شناخته شده است و آورندگان آن نزد آنها پیامبر شناخته می شوند، تصریحات بسیاری برای مهدی موعود (عج) آمده است. هر چند ما این کتابها را به عنوان کتب آسمانی نمی دانیم و آورندگانش را پیامبر نمی شناسیم، اما معتقدیم که یا پیامبر بوده اند، یا مطالب را از پیامبران گذشته اقتباس کرده اند؛ چون مطالب راجع به آینده است و پیشگویی از آینده منحصر در منابع وحی است. بهر حال جهت نشان دادن جهانی بودن ایده ظهور نقل می کنیم.

## ۲۱ / اصالت مهدویت

در کتاب **باسک** (از کتب مقدسه هندیان) آمده است: «دور دنیا تمام می شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریاها و زمینها و کوه ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد، خبر می دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیامد.»

در کتاب **شاکمونی** (از کتب مقدسه هندیان) آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق در دو جهان، **کشن**، (در لغت هندی نام پیامبر اسلام است) تمام شود و کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا سرزمین تسعین که زیر قطب شمالی است و همچنین ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او **ایستاده** باشد و خداشناس باشد.» و در کتاب **ریک ودا** آمده است:

«**ویشنو** (نجات دهنده) در میان مردم ظاهر گردد... او از همه کس قویتر و نیرومندتر است... در یک دست **ویشنو** شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگر انگشتری درخشنده دارد. هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید.» (ریک ودا ماندلای ۱۶ و ۲۴) در کتاب **دید** چنین آمده است: «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او **منصور** باشد. تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر

## ۲۲ / بر ساحل انتظار

بشناسد و هر چه را از خدا بخواهد بیاورد.» در کتاب **وشنچوک** می خوانیم: «سرانجام دنیا به کسی بر گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او **فرخنده** و **خجسته** باشد (این دو کلمه در عربی به محمد و محمود ترجمه می شود). در کتاب **داد تک** (از کتب مقدسه برهمنیان) آمده است: «بعد از آنکه مسلمانی به هم رسد در آخر الزمان، در میان مسلمانان، ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند ... دست حق بر آید و جانشین آخر **ممتا** (محمد به زبان هندی) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا ... و خلاق را هدایت کند.» و در کتاب **پاتیکل** (از کتب مقدسه هندیان) آمده است: «چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود. از فرزندان آن پیشوای جهان یکی ناموس آخر الزمان و دیگر وحی بزرگتر وی که **پشن** (نام هندی علی ابن ابیطالب) نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه، **راهنما** (به عربی، هادی و مهدی) است، به حق پادشاه شود. و خلیفه **رام** (خدا به زبان سانسکریت) باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.» در کتاب **شابوهرگان** (کتاب مقدس مانویه ترجمه مولیر) نام **خرد شهرایزد** آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. همچنین در تعالیم مانی از مرد عظیمی بحث شده که ۱۲ جانشین دارد و به وسیله آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت می روند.



### مهدی موعود(عج) در منابع زردشتیان

در کتاب **زند** (که از کتب مقدس زردشتیان است) پس از عنوان نمودن مفسد آخرالزمان، مطرح می‌شود که شوکت با اهریمنان است. بعد می‌گوید: «آنگاه از طرف اهورامزدا به ایزدان یاری می‌رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست...»

جاماسب در کتاب معروف خود - **جاماسب نامه** - از زردشت نقل می‌کند که: «از فرزندان دختر پیامبر - که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد - کسی پادشاه شود در دنیا به حکم ایزدان که جانشین آخر آن پیامبر اشد.» باز در **جاماسب نامه** می‌خوانیم: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم؛ مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش باشد؛ با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.»

همچنین جاماسب در تعالیم خود گوید: «پیامبری عرب (آخرین فرستاده) از میان کوههای مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر، شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود

## ۲۴ / بر ساحل انتظار

می باشد ... از عدل او گرگ با میش آب می خورد و همه جهان به آیین **مهر آزمای** (محمد) خواهند گروید.» قسمتی دیگر از پیشگویی های زردشت درباره ظهور و علائم ظهور در **بهمن یشت** به تفصیل آمده است و در بخش **گاتها** (که یکی از بخشهای چهار گانه **اوستا** است) در صفحات ۲۴ و ۹۸ نویدهایی در مورد موعود جهانی مصلح و پایه گذار حکومت واحد جهانی دیده می شود.

### ملت های جهان در انتظار مصلح کل

ایرانیان باستان اعتقاد داشتند که «گرازاسیه» قهرمان تاریخی آنان زنده است، و در کابل زندگی می کند و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند، تا روزی قیام کند؛ و جهان را اصلاح نماید؛ و گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی دیهیم پادشاهی به فرزند خود داده و بکوهستان رفت؛ و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

نژاد «اسلاو» بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند. نژاد «ژرمن» معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و ژرمن را بر دنیا حاکم گرداند و اهالی صربستان انتظار ظهور «مار کو کرایوج» را داشتند برهمنیان از قدیم بر این عقیده بودند که در آخرالزمان «ویشنو»

## ۲۵ / اصالت مهدویت

ظهور می نماید و بر اسب سفیدی سوار می شود و شمشیر آتشین بر دست می گیرد و مخالفین را می کشد و تمام دنیا **برهمن** گردد و به این سعادت برسد.

ساکنان جزائر انگلستان از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که «**آرتور**» روزی از جزیره «**آوالون**» ظهور نماید و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنان گردد و یهودیان معتقدند که در آخرالزمان «**ما شیع**» (مهدی بزرگ) ظهور می کند و الی الابد در جهان حکومت می کند؛ ولی او را از اولاد حضرت اسحق می پندارند، در صورتیکه **تورات** او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است. **نصاری** نیز به وجود مهدی قائلند و می گویند در آخرالزمان ظهور کرده عالم را خواهد گرفت؛ ولی در اوصافش اختلاف دارند. **واسن ها** معتقدند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود. سلت ها می گویند که پس از بروز آشوبهایی در جهان «**بوریان بوردیهم**» قیام کرده، دنیا را متصرف خواهد شد. اقوام اسکانندیناوی معتقدند که برای مردم بلاهایی می رسد و جنگ های جهانی اقوام را نابود می سازد، آنگاه «**اودین**» با نیروی الهی ظهور کرده و جهان را نجات خواهد داد. اقوام اروپای مرکزی در انتظار «**بوخص**» هستند. چینی ها معتقدند که «**کرشنا**» ظهور خواهد کرد و جهان را نجات می دهد. اقوام آمریکای مرکزی اعتقاد دارند که «**کوتز لکوتل**» (نجات بخش جهان) پس از بروز حوادثی در جهان

## ۲۶ / بر ساحل انتظار

پیروز خواهد شد. گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر "ممفیس" زندگی می کردند معتقد بودند که سلطانی در آخر زمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می شود، اختلافات طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند. قبایل «ای پوور» معتقد بودند روزی خواهد رسید که در دنیا، دیگر نیرویی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

آنچه مطرح نمودیم گرچه بطور کامل با مهدی موعود اسلام تطبیق نمی کند، اما از یک حقیقت غیر قابل تردید حکایت می کند و آن نوید ظهور مصلح جهانی است که در اعماق جان انسانها ریشه دوانده است؛ ولی چون از فروغ حق بیش از این بهره نداشته اند در تطبیق دچار اشتباه شده اند. البته تمام عقاید ملل، به خاطر ظهور پیامبران در میان تمام اقوام و ملل در طول تاریخ است و ریشه تمام عقاید به ظهور مصلح کل، ریشه در وحی دارد.

### مهدی موعود (عج) در اندیشه ای وسیعتر

امروزه که بشر تسلط بر طبیعت را فرا گرفته است به همین نسبت از خویش بیگانه شده است، این ایده از مرز عقاید و مذاهب ملل فراتر رفته است و بعنوان یکی از اصلی ترین مسائل جهانی مورد بحث قرار گرفته است. اندیشمندان بزرگ جهت از بین رفتن جنگها و بحرانهای

منطقه ای که احتمالاً منجر به جنگ جهانی سوم خواهد شد، تنها راهی که پیدا کرده اند آنستکه باید فکر پوسیده نژاد برتر را از سر بیرون کنیم و طرح «جهان وطنی» را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار دهیم، و مرزهای جغرافیایی را در هم ریزیم و شالوده یک حکومت واحد جهانی را پی ریزی کنیم.

به گفته اینشتین: «یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود یا حکومت‌های ملی مستقل باقی بماند و منجر به انهدام بشریت گردد.» (مفهوم نسیت اینشتن ص ۳۵)

**برتراند راسل می گوید:** «چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است یا باید حکومت جهانی را بپذیریم و یا به عهد بربریت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم.» (تاثیر علم بر اجتماع صفحه ۵۶)

اکنون باید دید کدام مصلح خواهد توانست مرزها را در کوبد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی پی ریزی کند. آن **مهدی موعود** کیست که ضرورت ظهور او را علم و دین خبر می دهد و میلیونها انسان در انتظار وی دقیقه شماری می کنند؟ پاسخ را باید از زبان قرآن و روایات که منبع و حیاتی دارند پرسید که در آینده بدان اشاره می کنیم.

امكان عمر طولانی

این پرسش برای عده ای مطرح می شود که اصالتاً چگونه ممکن است انسانی، قرن های بسیار زندگی کند تا بتوانیم رهبر موعود را مصداق چنین عمری بگیریم و بگوییم او بیش از ۱۱۵۱ سال را سپری کرده و به اندازه چهارده برابر انسان معمولی عمر کرده است؟ در پاسخ باید گفت که امکان به سه معنا می باشد: ۱- امکان عملی ۲- امکان علمی ۳- امکان منطقی یا فلسفی. مقصود از امکان عملی آنست که یک امر تا آن حد «شدنی» جلوه کند که در وجود هر کسی قابلیت داشته باشد؛ برای مثال سفر به اقیانوس ها، رسیدن به عمق دریاها و رفتن به کره ماه اموری هستند که امروزه امکان عملی یافته اند. غرض از امکان علمی آنست که اگرچه امری به مرحله امکان عملی نرسیده، در آستان دانش و در برابر موضعگیرهای پویای علم دلیلی نیابیم که امکان آن امر را نفی کند؛ مثلاً فرود آمدن انسان در کره زهره از دید علم نشدنی نیست و انگیزه ای برای نفی وقوع آن وجود ندارد؛ بلکه علم می گوید گرچه تا کنون تحقق نیافته



## ۳۲ / بر ساحل انتظار

است، امکان وقوع آن غیر قابل تردید است. منظور از امکان فلسفی یا منطقی آنست که امری در برابر عقل، مانعی برای تصور وقوع نیابد، تا حکم به محال بودن امکان آن دهد؛ مثلاً امکان منطقی ندارد که سه پرتقال به دو بخش مساوی تقسیم شوند، بدون آنکه یکی را به دو نیم کنیم؛ چون عقل، پیش از تجربه و عمل می گوید که سه یک عدد فرد است و زوج نمی شود و بخش پذیری آن به دو قسمت مساوی مستلزم آنست که سه، در آن واحد هم فرد باشد هم زوج و این تناقض است و محال منطقی است؛ اما رفتن انسان به درون آتش، بی آنکه بسوزد و رفتن انسان به کره خورشید، بی آنکه گرما در او اثر کند امری نیست که از جنبه منطقی محال باشد؛ چون مستلزم هیچ تناقضی نیست. بنابراین امکان منطقی، دایره ای وسیعتر از امکان علمی دارد و دایره امکان علمی از عملی وسیعتر است. شکی نیست که از نظر منطقی امکان زندگی هزاران ساله برای انسان وجود دارد؛ زیرا این مسئله از نظر عقلی محال نمی باشد و در اینگونه فرضیه ها تناقضی دیده نمی شود؛ زیرا زندگی مفهومی است که مرگ زود رس را در خود نهفته ندارد و در این امر تردیدی نیست. البته مسلم است که زندگی طولانی فعلاً امکان ندارد و مانند مسائلی چون رفتن به کره ماه نیست که با دستاوردهای علمی نصیب انسان شود. اما از دیدگاه علمی مسئله صورت دیگری پیدا می کند و باید گفت که دانش امروز دلیلی نمی بیند که امکان عمر طولانی را از جنبه نظری نفی کند. بررسی علمی و بحث مسئله طول عمر در حقیقت بستگی دارد به نوع

## ۳۳ / امکان عمر طولانی

تفسیری که علم فیزیولوژی از پیری و فرسودگی دارد. این قانون که « پیری و فرسودگی زائیده یک قانون طبیعی حاکم بر بافتهای پیکر انسانی است و ضروری است که بدن پس از رسیدن به آخرین مرحله رشد، کم کم فرسوده شود و برای ادامه زندگی کارآیی کمتری داشته باشد تا آنکه در لحظه ای معین از کار بیفتد» آیا حتی در مورد بدنی هم که از هرگونه تأثیر خارجی برکنار مانده صادق است؟ یا اینکه فرسودگی و کاهش که در کارائی بافت و نسوج مجموعه بدن به چشم می خورد نتیجه نبرد با عوامل بیرونی مانند میکروب ها و سمومی است که به بدن انسان راه می یابند؟ این پرسشی است که دانش امروز از خود می کند و در راه پاسخ دادن به آن هم می کوشد. در محدوده برداشت های علمی معاصر به این پرسش پاسخ های گوناگونی داده شده است. اگر پیری و فرسودگی و ناتوانی نتیجه مبارزه جسم با عوامل بیرونی معین و تأثیرپذیری از آنها باشد از جنبه نظری امکان دارد که بافتهای تشکیل دهنده بدن انسان را از عوامل معین و مؤثر در آن برکنار داشت تا زندگی آدمی طولانی شود. اما از دیدگاه دیگر، پیری یک قانون طبیعی است و هر بافت و اندام زنده ای در درون خود عامل نیستی حتمی خود را نهفته دارد که به مرور زمان موجود زنده را خواه و ناخواه به مرحله فرسودگی و مرگ می رساند. ولی نگرستن از این دیدگاه هم مستلزم آن نیست که هیچ گونه انعطافی در این قانون طبیعی راه نیابد، بلکه اگر هم چنین قانونی مسلم انگاشته شود قانون انعطاف پذیری است؛ زیرا هم ما در زندگی معمولی مان می بینیم و

## ۳۴ / بر ساحل انتظار

هم دانشمندان در آزمایشگاه علمی شان مشاهده می کنند که پیری یک پدیده فیزیولوژیکی است و ربطی به زمان ندارد؛ گاهی زودتر فرا می رسد و گاهی با فاصله زمانی بیشتری آشکار می شود تا آنجا که برخی از سالمندان را می بینیم که نشانه های پیری بر آنان ظاهر نشده و از نرمی و تازگی برخوردارند. پزشکان و متخصصان نیز بر انعطاف پذیری این قانون تصریح دارند. حتی بعضی از دانشمندان توانسته اند عملاً از انعطاف پذیری این قانون که طبیعی و ضروری تلقی شده است بهره گیرند و زندگی پاره ای از حیوانات را از صدها برابر عمر طبیعی آنها بیشتر کنند. اینان با به دست آوردن موفقیت های چشمگیر، قانون پیری طبیعی را شکسته و از نظر علمی روشن ساخته اند که عقب انداختن پیری یا فراهم ساختن موقعیت ها و عوامل معین امری است که از نظر علم امکان دارد و اگر دانش امروز نمی تواند این برنامه را در مورد پدیده هایی چون «انسان» پیاده کند تنها به دلیل دشواری های بیشتری است که در مورد انسان نسبت به حیوانات دیگر وجود دارد. بنابراین علم با موضع گیری های پویایش نشان می دهد که از جنبه نظری دلیلی برای نفی امکان طولانی شدن عمر انسان نیست، خواه پیری را از این دیدگاه بینیم که نتیجه و بازده مبارزه جسم با عوامل بیرونی و تاثیر پذیری از آنهاست، خواه نتیجه یک قانون طبیعی که در درون موجودات زنده نهفته است و آنها را بسوی مرگ و نیستی می کشاند. در پرتو آنچه گفته شد می توانیم درباره عمر «مهدی» به بررسی بنشینیم و به پرسش ها و شگفتی های پیرامون آن پاسخ گوئیم.

## ۳۵ / امکان عمر طولانی

پس از آنکه امکان علمی و منطقی عمر طولانی مشخص شد و دریافتیم که دانش نیز در راهی است که این امکان نظری را به امکان عملی مبدل سازد، دیگر هیچ انگیزه‌ای برای شگفتی‌ها باقی نمی‌ماند مگر اینکه در دانش «مهدی» شک کنیم و پیشی گرفتن علم او را بر کاروان دانش بشر بعید بشماریم. اگر این مسئله مطرح باشد که در بقای زندگانی این رهبر چگونه اسلام توانسته بر دانش پیشی بگیرد، طرح این پاسخ لازم است که این تنها موردی نیست که اسلام از حرکت دانش پیش افتاده باشد؛ مگر مجموعه شریعت اسلامی چند سده بر حرکت مستقل خویش پس از گذشت صدها سال شایستگی رسیدن به آن برنامه‌ها را یافتند؟ مگر اسلام قوانین استوار و فرزانه‌ای را نیآورده که انسان فقط در سالهای اخیر توانسته به راز و فلسفه و انگیزه برخی از آنها پی ببرد؟ مگر پیامبر اسلام به کشف و بازگویی رازهای آفرینش پرداخت؟ اگر همه اینها را باور داریم چگونه برای خداوند بلند مرتبه و فرستنده شریعت اسلام دشوار می‌شماریم که مهدی را بر دانش زمان پیشی دهد؟ فرضاً طول عمری که خداوند بزرگ به موعود منتظر و نجات‌دهنده بخشیده است در مرزهایی که مردم تا کنون بدان خو گرفته‌اند و دانش به آن قطعیت داده است امری شگفت‌نماید. مگر نقش دگرگون کردن جهان و از نو ساختن بنای آن بر پایه تمدنی تازه و شالوده‌ای از درستی و داد، که به عهده او نهاده شده است، نقش سترگی نیست؟ پس چرا وقتی از مقدمات این مأموریت بزرگ، با پدیده‌ها و پیوندهایی بیرون

## ۳۶ / بر ساحل انتظار

از محدوده پذیرفته هایمان (همانند طول عمر) برمی خوریم، دچار شگفتی می گردیم؟ شگفتی این ویژگی های مقدماتی، شگفت آورتر از ایفاگری نقش بزرگی نیست که مهدی موعود باید آنرا به انجام برساند. حال اگر روا بداریم که چنان نقش یگانه ای، که در تاریخ گذشته انسان همانند آنرا نمی بینیم، در تاریخ هستی بشر به وقوع پیوندد، چرا طول عمر او را به این بهانه که همانندی برایش در زندگی های عادی ندیده ایم نپذیریم؟

مقدر است که بعثت دو تن منجر به پاک ساختن تمدن انسانی از فساد و تباهی شود: یکی **نوح (ع)**، که به صراحت قرآن نهصد و پنجاه سال در میان توده خویش درنگ کرد و سرنوشتش آن بود که به دنبال طوفان، تمدن جهان را از نو بیازد و دیگری مهدی (عج)، که نقش خویش را در آینده ایفا می کند و تا کنون بیش از هزار سال در میان مردم خویش زیسته است و مقدر چنین است که در روز موعود، جهان را دوباره بسازد. حال چگونه زندگانی نوح نبی را باور داریم و طول عمر مهدی (عج) را نمی پذیریم؟!

# مقولهٔ دعا

## در عرصهٔ ظهور

ادای حق مؤمن

تمقیق در امر دعا

دعای ائمه

منافع دنیوی دعا به حضرت

دفع بلا و وسعت روزی

شرفیابی

رجعت به دنیا

ثبوت ایمان

دفع عقوبت

تقریب ظهور

در پاره ای از روایات مرویه از ائمه اطهار (ع) از عجول بودن در ظهور حضرت صاحب الامر (ع) نهی شده است و فرموده اند که عجله کردن در این مطلب سبب هلاکت شخص می شود (منظور از هلاکت، کفر و خروج از ایمان است). اما این روایات منافاتی ندارد با اخبار متعدده ای که امر فرموده اند به طلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان از خداوند عالمیان. عجله ای که مذمت آن در اخبار وارد شده و موجب هلاکت انسان و ضرر و خسران او می شود بر سه قسم است: **اول**، عجله ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود؛ یعنی به جهت کم طاقتی و کم صبری تعجیل کنند و بگویند «اگر شدنی بود تا بحال باید شده باشد» و نهایت این سخن نعوذ بالله منتهی می شود به انکار ظهور قائم منتظر (عج). **دوم**، عجله ای که منافی با تسلیم و رضای به امر خداوند جل شانہ باشد که بگویند «چرا ظاهر نمی شود و کی خواهد آمد؟» باز خورد این اعتراض به خداوند عز و جل است و چنین کسانی تابع شیطان اند که ایراد



## ۴۰ / بر ساحل انتظار

به خدا گرفت. پس انسان باید برای ظهورش دعا بکند و اگر حق تعالی اجابت آنرا تاخیر انداخت مطابق حکمت بداند. سوم، عجله ای که سبب پیروی نمودن مدعیان دروغگو و داعیان باطل شود. بعضی عجلوند و کم طاقت. در نتیجه پیش از ظاهر شدن علامتهای حتمیه و آثار مرویه از ائمه (ع)، به مدعیان باطل اعتماد می کنند و ارادت به شیطانهای انسانی پیدا می کنند، به امید آنکه مهدی منتظر است. چنانچه بسیاری مردم به این سبب هلاک شدند (یعنی از دین برگشتند). مطابق عقل و نقل برای امام (عج) علامتهای مخصوصه قطعیه هست، که تا آنها در کسی یافت نشود نباید به وی اعتماد نمود: باید از او معصیتی صادر نشده باشد. شخصاً و نسباً معروف باشد. عالم به جمیع احکام الهیه و جمیع زیانها باشد و در هیچ مسئله عاجز نشود و محتاج به پرسیدن از غیر و رجوع به کتاب نباشد. مبین احکام دین **خاتم** (ع) باشد، نه آنکه چیزی از خود جعل نماید. معجزه از او صادر شود، مثل تکلم با درختها و حیوانات، زنده شدن مرده به دعای او و بی اثر بودن آتش بر بدنش و امثال اینها که مکرر از ائمه (ع) صادر می شده است.

در **غیبت نعمانی** از حضرت **صادق** علیه السلام مروی است که فرمودند: « هر گاه کسی ادعای **قائم** بودن نمود از او امور عظیمه ای را که جز امام کسی از عهده آنها بر نمی آید طلب کنید.»

## ۴۱ / مقوله دعا در عرصه ظهور

### الف) ادای حق مؤمن

در کتاب **اصول کافی** از حضرت **صادق (ع)** روایت شده که فرمودند: «عبادتی نزد خدا برتر از ادای حق مؤمن نیست». در **احتجاج** از حضرت امام **حسن عسگری (ع)** روایت شده که فرمود: «هر کس معرفتش به حقوق مؤمنین بیشتر است و حقوق آنها را نیکوتر ادا می کند، شان او نزد حق تعالی عظیم تر است.» ای انسان بدان که در جمیع اهل عالم، حق هیچ فردی مانند حق امام زمان (عج) نیست. بر اساس احادیث کثیره قطعیه، هستی تو و بقای تو در این عالم و روزی ها و نعمتهایی که برای توست به برکت وجود مبارک اوست. پس باید بدانیم هر قدر هم که سعی کنیم نمی توانیم حق حضرت را بجا آوریم. طبق تفسیر شریفه «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»، در قیامت از جمله اموری که مؤاخذه می شود، حق آن حضرت می باشد. طریق ادا نمودن حق آن حضرت هم اهتمام در اطاعت و فرمانبرداری اوست و از جمله فرمانهای مطاع او که در توفیق شریف امام زمان (عج) در **کمال الدین و احتجاج** و **بحار** ذکر شده این است: «وَ أَكْثَرُ الدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»: تعجیل در فرج مرا از خداوند مدام بخواهید زیرا که گشایش کار شما در آن است.

## ۴۲ / بر ساحل انتظار

### ب) تحقیق در امر دعا

شاید پرسیده شود: «مگر آن حضرت واسطه تمام فیوضات نیست و مگر ما محتاج نیستیم؛ پس دعا برای تعجیل چه معنا دارد؟» جواب آنست که این دو هیچ منافاتی ندارند. چون اولاً با وجود اینکه ایشان وسیله تمام فیوضاتند، بعضی امور که لازمه بشریت است (از قبیل هم و غم و محنت و الم و ابتلا و مرض) بر ایشان عارض می شود و حق تعالی برای دفع این امور اسبابی قرارداده که یکی از آنها «دعا» است و این به هیچ وجه منافاتی با رفعت مقام حضرت ندارد. ثانیاً به استناد حدیثی در کتاب **نعمانی** از **حضرت علی (ع)** و توفیق مروی در **احتجاج**، یک سبب غیبت امام زمان (عج)، کثرت معصیتهای ماست. یعنی منع ظهور آن حضرت از جانب ماست؛ لذا باید به وسیله توبه و اهتمام در دعا و طلب ظهور اقدام به رفع منع بکنیم. ثالثاً دعا به منزله هدیه است و هدیه بردن برای کسی، دلیل حاجت آن شخص نیست، بلکه علامت احتیاج هدیه برنده و محبت اوست به شخصی که برای او هدیه می برد.

### ج) دعای ائمه (علیهم السلام)

تحقیق در حالات و ادعیه ائمه طاهرین (علیهم السلام) نشان می دهد که چقدر ایشان در امر دعا نمودن به حضرت صاحب

## ۴۳ / مقوله دعا در عرصه ظهور

الزمان (عج) اهتمام داشته و فرج آن حضرت را از خداوند عالمیان مسئلت کرده اند. وقتی دعای حضرت امیر (ع) را ملاحظه می کنیم یا دعای سید الساجدین (ع) را در روز عرفه در حیفه، بعد از نماز ظهر و عصر روز جمعه و دعای امام صادق (ع) را برای امام زمان (عج) بعد از نماز ظهر و دعای آن حضرت در صبح بیست و یکم ماه رمضان و دعای امام کاظم (ع) بعد از نماز عصر و دعای امام رضا (ع) و امام محمد تقی و امام عسگری (ع) و ... به اهمیت دعا برای آن حضرت پی خواهیم برد. حتی فرموده اند که مؤمن هر دعایی که می نماید، باید ابتدا کند به دعائی از برای امام زمان (عج). در بیان سرّ اهتمام ائمه طاهرين (عليهم السلام) در دعا به حضرت حجت (ع) طلب فرج و ظهور آن جناب از خداوند عالمیان باید گفت دعا کردن به یک فرد بر ایند محبت به او است و بزرگترین وسیله محبت و دوستی آن است که فردی وجود کسی را خیر بداند. هر قدر اعتقاد انسان به وجود خیر در شخص دیگر بیشتر شد محبتش به او کاملتر می شود. البته معرفت حقیقی به وجود مبارک حضرت صاحب الزمان (عج) برای کسی ممکن نیست جز حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرينش (عليهم السلام) (زیرا آنها از شجره طیبه واحده می باشند). و کسی دیگر از مخلوقات نمی تواند احاطه به شئون آنها نماید، لذا محبت آنها هم به آن جناب، کاملترین محبتهاست و همین برای شدت اهتمامشان به دعا برای وجود مبارک آن حضرت کافی است. این نکته از بیان امام صادق (ع) روشن می شود که فرمود: «اگر من

## ۴۴ / بر ساحل انتظار

درک می نمودم زمان حضرت قائم (ع) را، تا زنده بودم در خدمتش بودم.»

### منافع دنیوی دعا

در بیان فوائد دعا نمودن برای آن حضرت و طلب فرج و ظهور او می توان به شش فایده دنیوی اشاره کرد.

### الف) دفع بلا و وسعت روزی

در اصول کافی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: «دعای شخص برای برادر دینی خود در غیاب وی، روزی را زیاد می کند و دفع مکروه می نماید». دعا برای حضرت صاحب الزمان (عج) (که اصل و معدن ایمان است) در زمان غیبتش، بیش از دعا بر هر مؤمنی سبب رسیدن به این فواید عظیم خواهد شد.

### ب) شرفیابی

در بحار و غیره از حضرت صادق (ع) روایت شده که هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» پیش از مرگ به ملاقات حضرت قائم مشرف شود.

## ۴۵ / مقوله دعا در عرصه ظهور

### (ج) رجعت به دنیا

در حدیقه الشیعه از امام صادق (ع) روایت شده که دعا کننده بر حضرت در زمان ظهور رجعت می کند.

### (د) ثبوت ایمان

دعا برای تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت باعث ثبوت ایمان و نجات از فتنه های آخرالزمان است. شیخ صدوق (ره) در کمال الدین از احمد ابن اسحاق (ره) روایت فرموده که گفت: وارد شدم بر امام حسن عسگری (ع) و می خواستم پرسم از آن جناب درباره امام و خلف بعد از او که آن جناب پیش از سؤال من فرمود: «ای احمد ابن اسحاق! خداوند خالی نگذاشته زمین را از خلقت آدم تا کنون و تا قیامت از کسی که حجت باشد بر خلق که به او دفع بلا می کند از اهل زمین و به برکت او باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.» من گفتم: یا بن رسول! ... (ص) پس کیست امام و جانشین شما بعد از شما؟ حضرت به سرعت وارد خانه شدند و بیرون آمدند در حالیکه بر دوش او پسری بود تقریباً سه ساله که رویش مثل ماه شب چهارده بود. پس فرمود: ای احمد بن اسحاق! به جهت کرامت تو نزد خدا و حجت های او من این پسر را

## ۴۶ / بر ساحل انتظار

به تو نشان دادم. اوست همنام و هم کنیه پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که زمین را پر از عدل و داد می کند، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

### ه) دفع عقوبت

اثر دعا برای امام زمان (عج)، محفوظ ماندن از بلاهای ناگهانی است. چنانچه در بحار آمده است که امام **صادق** (ع) فرمود: «می آید بر مردم زمانی که غایب می شود امام آنها. خوشا به حال کسانی که ثابت هستند بر امر ما در آن زمان! به درستی که کمترین پاداش آنها این است که حق تعالی آنها را ندا می فرماید که ای بندگان من! ایمان آوردید به سیر من و تصدیق نمودید حجت غایب مرا؛ پس مژده باد شما را به پاداش نیکویی از من. براستی اعمال خوب را از شما پذیرم و از شما عفو می کنم اعمال زشت شما را و شما را می آمرزم و به برکت شما باران بر بندگانم می بارم و به برکت شما دفع بلا از ایشان می کنم و اگر شما نبودید همانا عذاب خود را بر ایشان نازل می فرمودم.

### و) تقریب ظهور

به برکت دعا و تضرع مؤمنین برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت، این امر عظیم زودتر واقع می گردد. در **بحار** از



## ۴۷ / مقوله دعا در عرصه ظهور

**حضرت صادق (ع)** روایت شده که حق تعالی وحی فرمود به حضرت **ابراهیم (علیه السلام)** که پسری به او عطا می فرماید. چون خبر به ساره رسید گفت: «چگونه از من فرزندی متولد می شود با آنکه پیرزن شده ام و زمان آبستن شدنم گذشته است؟» پس خدای عز و جل به ابراهیم وحی فرمود که به همین زودی فرزندی برای تو از ساره متولد خواهد شد. اما چون وحی ما را از روی تعجب رد کرد فرزندان او چهارصد سال به دست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد و آن زمانی بود که بنی اسرائیل مبتلای به فرعونیان شدند. پس چون طول کشید زمان ابتلای آنها، به زاری درآمدند و چهل روز گریه کردند و به سوی خدا توجه کردند و طلب فرج نمودند. خداوند به حضرت **موسی و هرون** وحی فرستاد که آنها را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد فرمود، با وجود آنکه هنوز یکصد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود. آنگاه **امام صادق (علیه السلام)** فرمودند: «شما هم اگر این چنین رفتار می کردید، یعنی اتفاق می نمودید در گریه و زاری کردن و طلب فرج ما از خدا، البته حق تعالی فرج ما را می رساند. اما چون شما مانند آنها نمی کنید این امر به منتهایی که باید خواهد رسید.»

# انتظار

فضیلت انتظار

واجب بودن انتظار

معنی انتظار

نهیست اسلامی و انتظار

انقلاب اسلامی و روایات

### فضیلت انتظار

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس از شما بمیرد، در حال ایمان باشد و منتظر باشد مثل کسی است که در خیمه حضرت قائم (عج) در خدمت آن جناب باشد». در حدیث دیگری از **امیر المؤمنین (ع)** آمده است: «هر کس انتظار فرج ما را داشته باشد مانند کسی است که در راه خدا در خون خودش غلتیده باشد». در حدیث دیگر از **امام صادق (ع)** آمده است که فرموده: «خوشا به حال شیعیان قائم ما که انتظار ظهور او را داشته باشند در زمان غایب بودن او، و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او؛ ایشانند اولیاء خدا که ترس و حزنی نیست بر آنها در روز جزاء.» و از رسول اکرم (ص) مروی است که: «افضل عبادتها انتظار فرج است.»

واجب بودن انتظار

در کتاب **اصول کافی** از **اسمعیل جعفی** روایت شده است که **امام باقر (ع)** فرمود: «آن دینی که به سبب آن اعمال قبول می شود عبارتست از شهادت به یگانگی خداوند و اینکه شریک ندارد و شهادت به رسالت خاتم انبیاء (ص) و اقرار به حقانیت آنچه پیامبر (ص) خبر داده است و دوستی با اهل بیت و بیزاری از دشمنان ما ... و انتظار داشتن از برای ظهور قائم ما ...». در کتاب **غیبت نعمانی** از **ابابصیر** روایت است که روزی **امام صادق (ع)** فرمودند: «می خواهید شما را خبر دهم به چیزی که حق تعالی با نبودنش عملی را از بندگان قبول نمی کند؟» گفتم بلی فرمود: «آن شهادت به یگانگی خداست ... و انتظار داشتن از برای ظهور حضرت قائم (عج)».

معنی انتظار

انتظارِ ظهور و چشم به راه مهدی موعود بودن، مستلزم از دست دادن حرکت اصلاحی و حماسه های دینی و اجتماعی نیست. انتظار، دعوت به «پذیرفتن» است نه به «پذیرفتن»، پذیرفتنِ باطل، پذیرفتنِ ستم، پذیرفتنِ بردگی و ذلت. انتظار درفشِ بنیانگرِ مقاومت است در برابر هر ناحقی و هر ستمی و هر ستمگری. مجاهداتِ خستگی ناپذیر و قیامهای

خونین شیعه در طول تاریخ همواره گواه اینست که در این مکتب هیچ سازش و سستی راه ندارد. شیعه با حضور در حوزه انتظار، یعنی انتظارِ غلبه حق بر باطل و داد بر بیداد و علم بر جهل و خرد بر سبکسری و تقوی بر گناه و آگاهی بر کوربینی، همواره آمادگی خود را برای مشارکت در نهضت‌های پاک و مقدس تجدید مینماید و با یادآوری تاریخ سراسر خون و حماسه سربازان فداکار تشیع، مشعل خونین مبارزات عظیم را بر سر دست حمل می‌کند و چگونه ممکن است کسانی به خود اجازه دهند که پاره ای از تعالیم والای تشیع مقاوم و خونین نگاره را نامتعهدانه تفسیر کنند و از تشعشع الهی این مکتب خون و قیام بکاهند؟ آنان که مرد میدان حماسه و مبارزات نیستند، خوب است بگویند: «ما اهل این اقدامات نیستیم»، نه اینکه بگویند: «اینها تکلیف نیست». کجا و کی تکلیف مسلمان قعود و ذلت بوده است؟! کجا تکلیف مسلمان این بوده است که بنشیند تا همه چیزش بر باد رود، حتی دین و ناموسش؟! کجا تکلیف مسلمانان بوده است که زیر سلطه کافران و از خدا بیخبران در آیند، با آنکه قرآن فریاد می‌زند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء ۱۴۱) یعنی خداوند هرگز نمی‌پذیرد که کافران بر مؤمنان سلطه داشته باشند. ملتی را که منتظر پیشوایی است که بیاید و ستمگران را براندازد و از القاب این پیشوا، «**قائم**» است و انسان منتظر، هرگاه این نام را می‌شنود قیام می‌کند، چگونه برخی به قعود و ذلت‌پذیری سوق داده بودند؟ و اکنون نیز چگونه برخی می‌خواهند دوباره به قعود و ذلت

## ۵۴ / بر ساحل انتظار

پذیری سوق دهند؟ ... در اینجا خوبست به سخنان آیت الله سید محمود طالقانی (رحمه الله علیه) توجه کنیم: «این دستور قیام (که به هنگام لفظ قائم بلند می شویم) شاید برای احترام نباشد (و الا باید برای خدا و رسول و اولیای مکرم دیگر هم به قیام احترام کرد) بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی از این حقیقت است. کوچکترین اثر بد بینی، بی رغبتی به خدمات اجتماعی و دلسردی از اقدام به کارهای عام المنفعه و نیکوست. پس توجه دادن مردم به آینده درخشان و دولت حق و نوید دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی و تاسیس حکومت اسلام و ظهور یک شخصیت خدا ساخته و مبارز، که مؤسس و سرپرست آن حکومت و دولت است، از تعالیم موسسان ادیان است و در مکتب تشیع، که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آن است، جزء ضروریات قرار داده شده و درباره خصوصیات چنین دولتی توضیحات بیشتری داده اند و پیروان خود را به انتظار چنین روزی ترغیب نموده اند و حتی انتظار ظهور را از عبادات دانسته اند، تا مسلمانان حق پرست در اثر ظلم و تعدی زمامداران خودپرست و تسلط دولتهای باطل و تحولات اجتماعی بزرگ و حکومت ملل ماده پرست، اعم از شرقی و غربی، خود را نبازند و دل، قوی دارند و جمعیت را آماده کنند. همین عقیده است که هنوز شیعیان را امیدوار و فعال نگه داشته است. این همه فشار و مصیبت، از آغاز حکومت دودمان دنائت و ردالت اموی تا جنگهای صلیبی و حمله مغول و اختناق و

تعدیه‌های دولتهای استعماری، بر سر هر ملتی وارد می‌آمد خاکسترش هم به باد فنا رفته بود؛ لکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می‌دهند که چون اسم صریح «قائم»، مؤسس دولت حقه اسلام، برده می‌شود به پایبستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید هیچ وقت نخواهد مرد ...» (مجله مجموعه حکمت شماره ۱-۲ سال ۳)

### نهضت اسلامی و انتظار

در بین تمامی ستارگان علم و تقوی در آسمان انتظار فرج، **امام خمینی (س)** خورشید درخشانی بود که در عصر ظلمت انتظار منفی، فریادگر انتظار مثبت بر مبنای اسلام ناب شد و انتظار قلبی را لباس تحقق عینی بخشید و عملاً انتظار فرج بردن را اسوه شد. توفیقی که برای اسلاف صالحش پیش نیامد، خداوند به دست او عملی ساخت و آن، تحقق انقلاب اسلامی بعنوان انتظار فرج عملی است در عصر غیبت. **حضرت امام (ره)** به خوبی دریافته بود که انتظار فرج مورد نظر در حدیث پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَرُ الْفَرَجَ» (برترین عمل امت من انتظار فرج است.) صرفاً چشم‌انتظاری نیست؛ بلکه انتظار، مکتب عمل است که در دیدگاه معصومین (ع) بعنوان «افضل الاعمال» قلمداد شده است. پس انتظار عملی یعنی ایجاد حکومتی



## ۵۶ / بر ساحل انتظار

بر مبنای دین و ارزشهای اسلامی و عدالت اجتماعی و چنین اقدامی برترین عمل است؛ چرا که مقدمه ای برای تحقق حکومت و نظام اسلامی و ولایت امامان معصوم (علیهم السلام) است.

### انقلاب اسلامی و روایات

در حقیقت، انتظار فرج برای ما که در عصر غیبت واقعیم، نوعی آماده سازی و مهیا شدن برای یاری رساندن به نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) است و این جز با مبارزه و تلاش مستمر و جهاد بی امان با مظاهر شرک و طاغوت و ایجاد آمادگی صد در صد و همیشگی میسر نیست. ممکن است در ذهن عده ای این مسئله پیش آید که برطبق روایات، زمینه سازی عملی برای قیام حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت یک انقلاب اصلاحی است، در حالیکه بنابر بعضی روایات دیگر، حضرت **ولی عصر (عج)** هنگامی ظاهر می شوند و دست به انقلاب می زنند که جهان را ظلم و جور فرا گرفته باشد. پاسخ مسأله این است که حدوث هر انقلاب اصلاحی و مردمی بر دو پایه استوار است که تحقق آن با وجود هر یک بدون دیگری ممکن نیست:

۱. غلبه ظلم و فساد بر جامعه از ناحیه حکومتهای جائر و ستم پیشه

۲. آگاهی و بیداری عمومی در همه قشرها و طبقات اجتماعی نسبت به

وضعیت موجود.

روشن ترین نمونه انقلاب اصلاحی، انقلاب اسلامی به رهبری **امام خمینی** (ره) است که در تحقق آن، این دو مقدمه نقش داشت. اگر شاه و عمالش طریق عدالت می پیمودند، نه امام و نه مردم نیازی به انقلاب نمی دیدند. همانگونه که اگر با وجود شاه، مردم در بی خبری بودند هم انقلابی رخ نمی داد. انقلاب حضرت **مهدی** (عج)، که انقلابی اسلامی با پشتیبانی عموم مردم در سطح جهان است، نیز از این قاعده مستثنی نیست. هر اندازه دامنه ظلم و فساد و به همان نسبت وسعت بیداری مردم عمیقتر باشد انقلاب حاصل از آن گسترده تر خواهد بود. روی همین اساس معصومین (علیهم السلام) فرموده اند که پس از آنکه زمین از ظلم و فساد پر شود و گردانندگان و متولیان امور مردم در راه استثمار و بهره کشی آنها در گوشه گوشه دنیا به قتل و جنایت دست زنند و امنیت جانی و مالی را از آنان بگیرند و زندگی را بر عدالت طلبان و حق خواهان تنگ کنند و با قوه قهریه یا حيله و تزویر، ملتها را به سوی مطامع و خواستههای شیطانی خویش بکشانند و آنها را از فطرت انسانی دور سازند و با تحمیل زندگی سراسر مادی و دور از معنویت و اخلاق، حیات را برای آنها پوچ و بی معنا کنند، خداوند متعال در بطن چنین دنیای پر از فساد و ستم، ملتی را برمی انگیزد و به او کمک می کند و تمامی وسایل و ابزارهای لازم را برای یک انقلاب ظفرمند در اختیارش قرار می دهد. رهبری فرزانه و عادل که از اهل قم است با امتی حق طلب به پامی خیزند و به وسیله این حرکت و نهضت مقدس، صلای عدالت طلبی و فریاد بیداری

## ۵۸ / بر ساحل انتظار

در کل جهان بلند می شود. مردم دنیا به اصالت اسلام و مکتب برحق تشیع و پیام نورانی آن، که رهایی از دام هر اسارت و بند شیطانی و رسیدن به حیات خالص و دور از شرک و طاغوت زدگی است، متوجه می شوند و به تدریج این آگاهی عمق بیشتری می یابد، تا آنجا که مطابق حدیثی از امام صادق (ع) « خداوند بزرگ از قم، که مرکز این بیداری و حرکت است، حجت خود را بر تمام دنیا از شرق و غرب، تمام خواهد کرد و این امر تا زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ادامه می یابد» (سفینه البحار ج ۲ ص ۴۴۵ ماده قم). این دو عنصر، یعنی ظلم و فساد عالمگیر و بیداری و توجه عمومی و رشد فکری، جهان را در آستانه انفجاری عظیم و خیزشی فراگیر قرار خواهد داد و زمینیان را طالب و منتظر مصلحتی برحق خواهد کرد. بدین سان مسلم است که انقلاب حضرت امام (ره) ریشه در روایات دارد. انگیزه حضرت امام (ره)، بعنوان یک منتظر واقعی، در قالب اصلاح بزرگ جلوه می کند و تمام فریادش « از غم دوست» است و در انتظار «دادرس» کل به قیامی عظیم دست می زند و در طول «سالها» و در پشت «حادثه ها» پانزده خرداد را شروع انتظار فرج می نامد که فرمود:

**از غم دوست در این میکده فریاد کشم**

**داد رس نیست که در هجر رخس داد کشم**

**سالها می گذرد حادثه ها می آید**

**انتظار فرج از نیمه خرداد کشم**

# علامات ظهور در قرآن و حدیث

## ۶۱ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

۱- امام صادق (ع) در خصوص قول خدای تعالی که فرمود «هدیٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»<sup>۱</sup> می فرماید: متقین، شیعیان علی ابن ابیطالب (ع) هستند و غیب، حجت غایب است<sup>۲</sup> و شاهد این آیه قول خدای تعالی است که می فرماید «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلُوبُنَا سَاهِيَةٌ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»<sup>۳</sup> (گویند چرا بر او نشانه ای از جانب خدا نیامد پاسخ ده که دانای غیب خداست پس منتظر باشید من هم با شما منتظر میباشم.) امام صادق (ع) فرمود: نشانه، همان غیب است و غیب، حجت خداست و مصداق این مطلب قول خدای تعالی است که فرمود: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» (پسر مریم و مادرش را بر خلاق حجت قرار دادیم) و در همین رابطه در حدیث دیگری فرمود: این آیه در حق کسانی است که به قیام قائم (عج) ایمان بیاورند و آنرا حق بدانند.<sup>۴</sup>

۲- امام رضا (ع) فرمود: مگر نشنیده اید گفتار خدای متعال را که فرمود: «فانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (پس منتظر باشید که من هم باشم از جمله انتظار کشندگان)؟ پس صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد آمد، اقوامی که پیش از شما بودند از شما شکیبا تر بودند.<sup>۵</sup>

۴- مؤمنون آیه ۵۰

۵- يوم الخلاص جلد ۱ ص ۳۵۶

۶- بحار الانوار جلد ۵۲ ص ۱۲۹

۱- بقره آیه ۲ تا ۴

۲- المؤمنون شیعه علی و الغیب هو الحجة الغائب

۳- اعراف آیه ۷۱

## ۶۲ / بر ساحل انتظار

۳- امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه « وَ اسْتَبْقُوا الْخَيْرَاتِ اَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعًا »<sup>۱</sup> فرموده است: «منظور از "خیرات" ولایت اهل بیت است و منظور از "یأت بکم" یاران قائم (عج) می باشد»<sup>۲</sup>.

۴- پیشوای ششم جهان تشیع امام صادق (ع) در ضمن تفسیر آیه شریفه « وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ »<sup>۳</sup> (پیش از کیفر بزرگ با کیفر کوچک آنها را عذاب خواهیم کرد) فرمود: «انَّ الْعَذَابَ الْأَدْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَالْجَدَبُ وَ غَلَاءُ السَّعْرِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِالسَّيْفِ وَالْعَذَابُ الْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» کیفر کوچک قحطی، خشکسالی و گرانی قیمتها در آستانه ظهور قائم (عج) است و کیفر بزرگ شمشیر بران مهدی (ع) در آخر الزمان است.<sup>۴</sup>

۵- امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه « سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ »<sup>۵</sup> (نشانه های خود را در وجود آنها و پیرامونشان نشان می دهیم تا برایشان آشکار شود که او حق است) فرمودند: « تُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ وَ تُرِيهِمْ فِي الْآفَاقِ انْتِفَاضُ الْآفَاقِ عَلَيْهِمْ قَيْرُونَ قُدْرَةَ اللهِ تَعَالَى فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي الْآفَاقِ » در وجود آنها مسخ و در پیرامون آنها خسف را به آنها نشان می دهیم تا قدرت خدا را در وجود خود و در اطراف خود ببینند و بر آنها روشن شود که او حق است.

۱- بقره، آیه ۱۴۸

۲- یوم الخلاص، جلد ۲، صفحه ۴۲۵

۳- سجده، آیه ۲۱

۴- یوم الخلاص، جلد ۲، صفحه ۸۲۵

۵- فصلت آیه ۵۳

## ۶۳ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

«حَتَّىٰ يَتَيَسَّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ» یعنی بدانند که ظهور قائم (ع) از سوی پروردگار متعال حق است و مردم به طور حتم آنرا خواهند دید.<sup>۱</sup>

۶- امام باقر (ع) آنجا که از سپاه سفیانی بحث می کند که به فرماندهی حزیمه اموی به سوی حجاز عزیمت می کنند، در تفسیر آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَزَعُوا فَلَا قَوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»<sup>۲</sup> (ای کاش بینی هنگامی را که هراسان شوند و دیگر گریزی نیست و از جایگاهی نزدیک گرفتار می شوند) فرمود: «مِنَ الصَّوْتِ وَذَلِكَ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ» آن صیحه آسمانی است «وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ خَسَفٌ بِهِمْ» که جبرئیل از آسمان بانگ می زند و از پایشان در زمین فرو می ریزد و آن هنگامی است که در دو منزلی مدینه منوره می باشند و در میان حما و مر در سرزمین پیدا خسف می شوند مردی از سپاه جدا می شود و به دنبال شترش می رود، چون بر می گردد احدی از سپاهیان نمی یابد و هیچ سر نخی پیدا نمی کند و او گزارش سپاه را به مردم می دهد.<sup>۳</sup>

۷- امام صادق (ع) خطاب به یار وفادارش محمد بن مسلم فرمود: پیش از قیام قائم (عج) نشانه هایی است که خداوند آنها را ظاهر خواهد ساخت. محمد بن مسلم پرسید آنها چیست؟ فرمود: آنها را خداوند چنین فرموده است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۱ - يوم الخلاص ص ۸۵۶

۲- سبا آیه ۵۱

۳- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۸۸

## ۶۴ / بر ساحل انتظار

الْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ»<sup>۱</sup> (و شما را به سختیهای چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و مرگ و آفات زراعت آزمایش می کنیم و صبر پیشگان را بشارت ده). و در تفسیر آن فرمودند: «وَلَنْبَلُوتَكُمْ» یعنی الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ «بِشْيءٍ مِنَ الْخَوْفِ» مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ «وَالْجُوعِ» بَغْلَاءِ أَسْعَارِهِمْ «وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ» بِكَسَادِ التَّجَارَاتِ وَقِلَّةِ الْفَضْلِ «وَنَقْصٍ مِنَ الْأَنْفُسِ» مَوْتُ ذُرِّيَعٍ «وَالشَّمَرَاتِ» قِلَّةِ مَا يُزْرَعُ «وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ» عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ وَذَلِكَ بَعْدَ فِتْنَةٍ صَمَاءٍ صَيْلَمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلٌّ وَلِيَجَهَّ وَبَطَانَهُ فَيُثَبُّ الْجَارُ عَلَى جَارِهِ فَيَضْرِبُ عُقْبَهُ فَأَلْزَمُوا الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكُوا يَدًا وَلَا رِجْلًا «وَلَنْبَلُوتَكُمْ» یعنی امتحان می کنیم شما مومنین را قبل از خروج قائم «بِشْيءٍ مِنَ الْخَوْفِ» یعنی بوسیله پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آنها «وَالْجُوعِ» یعنی با گرانی قیمتها «وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ» یعنی با کساد تجارت و کمی در آمد «وَالْأَنْفُسِ» یعنی با مرگهای پیاپی و ناگهانی «وَالشَّمَرَاتِ» یعنی با کمی رشد زراعت «وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ» یعنی نوید بده در آن زمان صبر پیشگان را با ظهور قائم (عج) و آن بعد از یک فتنه سخت و کمر شکن است که هر دوستی و خویشی را به هم می ریزد، همسایه به همسایه اش هجوم برده گردنش را می زند، در چنین روزگاری به زمین بچسبید و دست و پای خود را تکان ندهید.<sup>۲</sup>

۱- بقره آیه ۱۵۵

۲- غیبت نعمانی ص ۱۳۲ - بوم الخلاص ج ۱ ص ۳۴۱



## ۶۵ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

۸- امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» (بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می سازد) فرمود: «کفر اهلها فیحییها الله بالقائم» پس از مرگ زمین به سبب کفر مردم، خداوند با قائم (عج) آنرا زنده می کند.<sup>۱</sup>

۹- امام باقر (ع) در تفسیر آیه «یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰی اَدْبَارِهَا»<sup>۲</sup> (ای اهل کتاب ایمان آورید به آنچه نازل کردیم که تصدیق کننده چیز است که در نزد شماست پیش از آنکه به صورتهایی بزنیم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم) فرمود: «لا یفلت من جیش السفیانی الها لکین فی خسف الیداء سوی ثلاثه نفر یحول الله و جوههم فی اقیتهم و ذلک عند قیام القائم المهدی (عج)» از سپاه سفیانی جز سه نفر باقی نمی ماند و سایرین در زمین پیدا در کام زمین فرو می روند و این سه نفر صورتشان به پشت برگردانیده می شود و در آن هنگام مهدی (عج) قیام می کند.<sup>۳</sup>

۱۰- امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «هُوَ الَّذِی اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدٰی وَ دِیْنِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلٰی الدِّیْنِ کُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِکُوْنَ»<sup>۴</sup> (خداوند تعالی خدایی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه دینها غالب گرداند، هر چند مشرکان ناخوش دارند) فرمود: «وَ اللّٰهِ مَا نَزَلَ

۱- حدید آیه ۱۷

۲- بحار ج ۵۱ ص ۷۶ - بوم الخلاص ج ۲ ص ۲۳۶

۳- نساء آیه ۴۷

۴- بحار ج ۵۲ ص ۲۳۸ - بوم الخلاص ج ۲ ص ۱۱۲

۵- صف آیه ۹

## ۶۶ / بر ساحل انتظار

تَأْوِيلُهَا بَعْدَ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ (ع) فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقِ كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ وَ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرِهِ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنِ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَقْتُلُهُ « بخدا سوگند این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی یابد تا روزی که قائم (ع) ظهور کند چون او ظهور کند، هیچ کافر و یا مشرکی ظهور او را خوش نخواهد داشت حتی اگر کافر و یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت ای مؤمن در دل من کافری است او را به قتل برسان <sup>۱</sup> .

۱۱ - آیه پنجم سوره قصص را امام زمان (ع) روی دست پدر بزرگوارشان تلاوت فرمود: « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَثَرِيَةً فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ » <sup>۲</sup> (به نام خدای بخشاینده مهربان و ما اراده نموده ایم که بر کسانی که در روی زمین به استضعاف کشیده شده اند منت نهاده، آنها را پیشوا و وارث روی زمین قرار دهیم و برای آنها در روی زمین امکانات فراهم کنیم و به فرعون و هامان و سپاهیان آنها نشان دهیم آنچه را که از آن می ترسیدند.) امام صادق (ع) هر وقت این آیه را تلاوت می کرد می فرمود: « وَاللَّهِ إِنَّ تَنْزِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَتَأْوِيلَهَا فِينَا » به خدا سوگند این آیه نزولش درباره بنی اسرائیل و تاویلش در حق ماست. <sup>۳</sup>

۱ - بحار ج ۵۱ ص ۶۰ - يوم الخلاص ج ۱ ص ۵۰۴

۲ - قصص آیه ۵

۳ - الزام الناصب ص ۲۲۰ - بحار ج ۵۳ ص ۲۶ - يوم الخلاص ج ۱ ص ۱۵۰

## ۶۷ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

۱۲ - امام باقر (ع) فرمود: «إِذَا ظَهَرَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ لِلنَّاسِ "فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ"»<sup>۱</sup> «خِفْتُمْ عَلَيَّ نَفْسِي وَجِئْتُمْ لِمَا أَدْنَى لِي رَبِّي وَأَصْلَحَ أَمْرِي» هنگامی که قائم ما ظهور کند، به مردم می فرماید: (از شما فرار کردم هنگامی که ترسیدم از شما پس خداوند به من حکم عطا کرد و مرا از مرسلین قرار داد) ترسیدم از شما به خاطر جانم و آمدم بسویتان بخاطر اذن خدا به من جهت اصلاح امرم.<sup>۲</sup>

۱۳ - امام کاظم در تفسیر آیه شریفه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ»<sup>۳</sup> (نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کردم) فرمودند: «الْنِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَةً وَلَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُ يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلُّ عَسِيرٍ وَيُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيُقَرِّبُ عَلَيْهِ كُلَّ بَعِيدٍ» نعمت ظاهری، امام آشکار است و نعمت باطنی، امامی است از دیده ها پنهان، که جسم او از دیده ها پنهان خواهد شد ولی یاد او در دلها زنده خواهد بود. او امام دوازدهم ماست که خداوند هر مشکلی را بر او آسان سازد و هر سختی را بر او هموار نماید و گنجهای زمین را برای او آشکار نموده، دور و دراز را برای او نزدیک و کوتاه نماید.<sup>۴</sup>

۱- شعرا آیه ۲۱

۲- بحارج ۵۲، ص ۲۸۱ - ۲۹۲ - يوم الخلاص ج ۱ ص ۴۸۱ (مرسلین در حق حضرت معنای لغوی است نه اصطلاحی)

۳- لقمان آیه ۲۰

۴- بحارج ۵۱ ص ۶۴ و ۱۵۰ - يوم الخلاص ص ۲۷۹

۱۴ - امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»<sup>۱</sup> ( بگو هیچ اندیشیده اید که اگر دچار قحطی آب شوید چه کسی برای شما آب گوارا خواهد آورد؟) فرمود: «نَزَلَتْ فِي الْإِمَامِ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَبِحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ أَمَا وَاللَّهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَأَبَدًا أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا» این آیه در حق امام (ع) نازل شده است: اگر امام شما از دیده ها یثان غائب شود، چه کسی برای شما امام ظاهری خواهد آورد که احکام حلال و حرام و اخبار آسمان و زمین را برای شما بازگو کند؟<sup>۲</sup> پیامبر اکرم (ص) در همین مورد می فرماید: «الْمَهْدِيُّ يَغِيْبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَيَثْبِتُ آخَرُونَ» مهدی از دیده مردمان، مدتی بس دراز، غائب می شود و هنگامی بر می گردد که قومی از او برگشته، گروهی بر اعتقاد خود استوار مانده اند.

۱۵ - امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ الْجَوَارِ الْكُنُسِ»<sup>۳</sup> (قسم نمی خورم به ستارگان بازگشت کننده گردش کننده پنهان شونده) فرمود: «أَنَّ إِمَامًا يُخْنَسُ فِي زَمَانِهِ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنْ عِلْمِهِ عِنْدَ النَّاسِ سَنَةٌ سِتِّينَ وَ مِثَّتَيْنِ ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ يُوقَدُ فِي اللَّيْلِ الضَّمَاءِ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ قَرَّتْ عَيْنُهُ» این آیه در حق امامی است که در زمان خود از دیده ها ناپدید می شود و در سال ۲۶۰ اطلاعات مردم از او قطع

۱- ملک ۳۰

۲- بحارج ۵۱ ص ۵۲ - بوم الخلاص ج ۱ ص ۳۲۰

۳- تکویر ۱۵ - ۱۶

## ۶۹ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

می گردد آنگاه چون ستاره ای درخشان ظاهر می شود و شب تاریک را با نور خود روشن می سازد. هر کس زمان او را درک کند چشمش روشن می شود»<sup>۱</sup>.

۱۶ - پیشوای ششم شیعیان در تفسیر آیه شریفه « يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ »<sup>۲</sup> (بدکاران به سیمایشان شناخته شوند پس موی پیشانی آنها را با پاهایشان بگیرند) فرمود: « كَيْفَ يَحْتَاجُ الْجَبَّارُ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَاهُمْ وَهُمْ خَلَقَهُ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاءَ اللَّهِ السَّيِّئَاءَ قِيَامًا بِالْكَافِرِ ثُمَّ يَخْبِطُ بِالسَّيْفِ خَبْطًا » خداوند تبارک و تعالی، که مخلوقات را آفریده، هرگز نیازی به شناخت آنها ندارد. هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به او علم قیافه شناسی عطا می کند و او دستور می دهد که کافران را با شمشیر گردن بزنند.<sup>۳</sup>

۱۷ - امام صادق (ع) در تفسیر آیه « وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا »<sup>۴</sup> (چه کسی ستمکار تر از کسی است که نگذارد در مساجد خداوند نام او یاد شود و برای ویرانی آن تلاش کند) می فرماید: « هُمُ الرُّومُ كَانُوا ظَاهِرُوا بُخْتَنَصِرَ عَلِيٍّ خَرَابِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ أَوْلَيْكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ فَلَيْسَ فِي الْأَرْضِ رُومِيٌّ يَدْخُلُهُ إِلَّا وَهُوَ خَائِفٌ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقُهُ أَوْ قَدْ أُخِيفَ بِأَدَاءِ الْجَزِيَّةِ لَهُمْ »

۱- بحار ج ۵۱ ص ۵۱ - يوم الخلاص ج ۱ ص ۲۷۷

۲- رحمان آیه ۴۱

۳- بحار ج ۵۱ ص ۲۲۱ - يوم الخلاص ج ۱ ص ۵۱۷

۴- بقره آیه ۱۱۴

## ۷۰ / بر ساحل انتظار

فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ أَمَّا خِزْيُهُمْ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ الْمَهْدِيُّ وَفُتِحَتِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةُ قَتَلَهُمْ فَذَلِكَ الْخِزْيُ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ « آنها رومیها هستند که بخت النصر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند، آنروز هیچ رومی (یهودی) وارد بیت المقدس نمی شود جز اینکه ترس دارد که گردش از پیکرش جدا گردد و یا جزیه از او گرفته شود. خواری آنها در دنیا کشته شدن آنهاست به دست حضرت بقیه الله در قیام شکوهمند آن حضرت به هنگام فتح قسطنطنیه (استانبول)، و برای آنها در آخرت عذابی است بزرگ. <sup>۱</sup>

۱۸ - امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (سلطنت امروز از آن خداست) فرمود: «الْمُلْكُ لِلَّهِ الْيَوْمَ وَقَبْلَ الْيَوْمِ وَبَعْدَ الْيَوْمِ وَ لَكِنْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَمْ يُعْبَدِ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» سلطنت، همیشه از آن خداست، لکن هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی شود. «يُرْفَعُ الْمَذَاهِبُ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ» همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نمی ماند. «الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ يَفْرَحُ بِهِ جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ خَاصَّتُهُمْ وَ عَامَّتُهُمْ» چون مهدی (عج) خروج کند، از همه مسلمانان رفع گرفتاری شود و برای همه آنها اعم از خواص و عوام فرج حاصل گردد. «يَرْضَى عَنِ خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ

۱- یوم الخلاص ج ۲ ص ۹۷۴

۲- حج آیه ۵۶

## ۷۱ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوِّ» از خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا خشنود می شوند.<sup>۱</sup>

۱۹ - امیر مومنان علی (ع) درباره اصحاب حضرت مهدی (عج)، ذیل آیه «أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»<sup>۲</sup> (هر جا که باشید خدا همه شما را خواهد آورد.) می فرماید: «هُمْ الْمَفْقُودُونَ عَنْ قُرْشِهِمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ "أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا"» آنها اصحاب مهدی (عج) هستند از بالینشان ناپدید شوند و خداوند تبارک و تعالی در حق آنها فرموده است: «هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد.» امام صادق (ع) هم در همین زمینه می فرماید: «إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ (أَي بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ) فَاتِيَحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ فَمِنْهُمْ مَنْ يُفْتَقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ فِي مَكَّةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا» هنگامی که به امام زمان (ع) فرمان ظهور برسد خدا را با اسم اعظمش می خواند و همه یارانش از سراسر جهان گرد می آیند که آنها یاران پرچمدار او هستند. گروهی از آنها شبانه از بالینشان ناپدید می شوند و صبح در مکه حاضر می شوند و برخی از آنها آشکارا دیده می شوند که بر روی ابرها سیر می کنند.<sup>۳</sup>

۲۰ - امام صادق (ع) در لوح مادرش حضرت فاطمه زهرا (س) یک حدیث طولانی را مشاهده نمود که در آن خدای تعالی حال مومنین را در عهد

۱- بوم الخلاص ج ۲ ص ۶۴۹

۲- بقره آیه ۱۴۸

۳- بوم الخلاص ج ۱ ص ۴۱۱

## ۷۲ / بر ساحل انتظار

غیبت حضرت ولی عصر (عج) وصف نموده است و فرازی از آن را در اینجا می آوریم: «سَيَذِلُّ أَوْلِيَاءُهُ فِي غَيْبَتِهِ وَيَتَّهَدُونَ رُؤُسَهُمْ كَمَا تَتَّهَدَى رُؤُوسُ التُّرُكِ وَالذَّيْلِمِ قَيْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِينَ تُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَيَفْشُوا الْوَيْلُ وَالرَّيْنُ فِي نِسَائِهِمْ أَوْلِيكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءِ حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ أَوْلِيكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَوْلِيكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ»<sup>۱</sup>

دوستان او در زمان غیبتش خوار و زبون می شوند و سرهای آنها چون سرهای ترک و دیلم هدیه فرستاده می شود. آنها کشته می شوند، سوزانیده می شوند و تا زنده هستند با ترس و وحشت و اضطراب زندگی می کنند. زمین از خون آنها گلگون می شود. ناله و فریاد در میان زنهای آنها آشکار می شود. آنها دوستان واقعی من هستند و من بوسیله آنها امواج فتنه های تیره و تار را که چون تیرگی شب در افق زندگی ظاهر می شود دفع می کنم و به وسیله آنها اضطرابات را رفع می کنم و سختیها و گرفتاریها را برطرف می کنم. بر آنهاست صلوات و رحمت از پروردگارشان و آنها هستند هدایت یافتگان.<sup>۱</sup>

۲۱ - امام باقر در تفسیر آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»<sup>۲</sup> (با کافران جهاد کنید تا وقتی که فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همگان به دین خدا باشند) فرمود: «لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلُهَا فَإِذَا جَاءَ تَأْوِيلُهَا يُقْتَلُ الْمُشْرِكُونَ حَتَّى يُوحَّدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يَكُونَ شِرْكَ»

۱- عیون الاخبار ج ۱ ص ۳۵

۲- بقره آیه ۱۹۳



## ۷۳ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

ذَلِكَ فِي قِيَامِ قَائِمِنَا أَنَّهُ يُقْتَلُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ « هنوز تاویل آن نرسیده است هنگامی که تاویل آن بیاید مشرکان کشته می شوند، تا به توحید بگردانند. دیگر از شرک اثری نمی ماند و آن به هنگام قیام قائم ماست که کافران و منافقان را ریشه کن می سازد.<sup>۱</sup>

۲۲ - امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه « فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَمَهُلَهُمْ رُؤَيْدًا<sup>۲</sup> » (پس تو ای رسول اندکی کافران را مهلت ده) فرمود: « أَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ يَا مُحَمَّدُ رُؤَيْدًا لَوُبِعِثَ الْقَائِمُ فَيَنْتَقِمُ مِنَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاعِيتَ مِنْ قُرَيْشٍ وَ بَنِي أُمَيَّةَ وَ سَائِرِ النَّاسِ » ای محمد (ص) کافران را کمی دیگر مهلت بده. هر گاه قائم قیام کند، از ستمگران و ابر جنایتکاران قریش، بنی امیه و هر قوم دیگر انتقام خواهد گرفت.<sup>۳</sup>

۲۳ - پیشوای پنجم شیعیان در تفسیر آیه شریفه « خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهَهُمْ ذَلِيلًا ذَلِكِ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ<sup>۴</sup> » (دیدگانش فرو رفته خاک ذلت آنها را پوشانیده آن روزی است که وعده داده می شوند.) فرمود: « يَعْنِي يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ » روز خروج قائم (عج) را اراده کرده است.<sup>۵</sup>

۲۴ - امام باقر در تفسیر آیه شریفه « ان نَشَأُ نُنزِلُ عَلَيْهِمِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ<sup>۶</sup> » (اگر بخواهیم برای آنها نشانه ای از آسمان

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۴۵ و ۳۷۸ - بوم الخلاص ص ۵۲۳

۲- طارق آیه ۱۷

۳- الزام الناصب ص ۲۴۳

۴- معارج آیه ۴۴

۵- بحار ج ۵۲ ص ۱۲۰ - روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۴۴

۶- شعراء آیه ۴

می فرستیم که گردنهایشان در برابرش خاضع می شود) فرمود: «سَيَفْعَلُ اللَّهُ ذَٰلِكَ بِهَمَّ رُكُودِ الشَّمْسِ مِنَ الزَّوَالِ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ حَتَّى يُلَاحِظَ النَّاسُ ذَٰلِكَ وَظُهُورُهُمْ وَجْهَ رَجُلٍ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ يُعْرِفُ بِحَسَبِهِ وَنَسَبِهِ وَذَٰلِكَ فِي زَمَانِ السُّفْيَانِيِّ وَعِنْدَهَا يَكُونُ بَوَارُهُ وَبَوَارُهُ» بزودی خداوند این نشانه را خواهد فرستاد: خورشید از موقع زوال تا به وقت عصر در وسط آسمان خواهد ماند. همه متوجه این نشانه خواهند شد. آنگاه سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت. این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود. در آن هنگام سپاه سفیانی نابود خواهد شد و خود سفیانی هم نابود خواهد شد.<sup>۱</sup>

۲۵- امام حسین (ع) می فرماید: «يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ» منادی آسمانی به نام مهدی (عج) ندا می کند. هر کسی که در شرق و غرب جهان باشد آن ندا را می شنود.<sup>۲</sup> امام زین العابدین (ع) می فرماید: «وَاللَّهِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَيِّنَ حَيْثُ يَقُولُ "وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ" فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا وَ" يُثَبَّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ " عَلَى الْحَقِّ وَهُوَ النَّدَاءُ الْأَوَّلُ وَيَرْتَابُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ حِينَ النَّدَاءِ الثَّانِي» به خدا سوگند این مطلب در

۱- ارشاد مفید ص ۳۳۸ - بوم الخلاص ص ۸۴۴

۲- بوم الخلاص ج ۲ ص ۸۶۸

۳- ق آیه ۴۲

۴- ابراهیم آیه ۲۷

## ۷۵ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

کتاب خدا بسیار صریح بیان شده، آنجا که می فرماید گوش فراده هنگامی که منادی از نقطه نزدیکی ندا سر می دهد. آنروز به حق آن صیحه را می شنوند. آنروز روز خروج است. در روی زمین احدی باقی نمی ماند جز اینکه در برابر این بانگ آسمانی خاضع و منقاد می شود. خداوند، آنانکه ایمان آورده اند را بر ایمان راسخ و عقیده ثابت پا بر جا نگه می دارد و این بانگ نخستین است. ولی کسانی که در دلهایشان بیماری هست، در بانگ دوم دچار شک و تردید می شوند. امام صادق (ع) پیرامون همین آیه شریفه می فرماید: «قِيَوْمٍ أَهْلُ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ "أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَشِيعَتِهِ" فَإِذَا كَانَ مِنْ صَعْدِ ابْلِيسُ فِي الْهَوَاءِ حَتَّى يَتَوَارَى عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قِيَادَى "أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي فُلَانٍ"» اهل زمین هنگامی که بانگ آسمانی را بشنوند که از آسمان بانگ می زند که «آگاه باشید حق با علی بن ابیطالب و شیعیان اوست» همه ایمان آورند. روز بعد شیطان در فضا بالا می رود و در حالیکه مردم او را نمی بینند بانگ می زند که «آگاه باشید که حق با فلانی است»<sup>۱</sup>.

۲۶- مولای متقیان امیر مومنان علی (ع) در تفسیر آیه شریفه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ»<sup>۲</sup> (باز فرق یهود و نصاری بین خود اختلاف انداختند) فرمود: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثِ اخْتِلَافِ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ الرَّأْيَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَالْفَزَعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» از مشاهده سه نشانه

۱- يوم الغلاص ج ۲ ص ۸۹۹

۲- زخرف آیه ۶۵

## ۲۶ / بر ساحل انتظار

منتظر فرج باشید: ۱ - اختلاف شامیان ۲ - پرچمهای سیاه خراسان ۳ - صیحه آسمانی در رمضان<sup>۱</sup> .»

۲۷ - پیشوای پنجم شیعیان در تفسیر آیه شریفه «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ»<sup>۲</sup> (کسیکه انتقام بگیرد پس از آنکه مورد ستم واقع شده) فرمود: «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ يَعْنِي الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ وَالْقَائِمُ إِذَا قَامَ أَنْتَصَرَ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَمِنَ الْمُكْذِبِينَ وَالنُّصَابِ هُوَ وَأَصْحَابُهُ» این آیه در حق قائم و یاران اوست. هنگامی که قائم (عج) قیام کند از بنی امیه و تکذیب کننده ها و ناصبی ها انتقام می گیرد.<sup>۳</sup>

۲۸ - پنجمین امام شیعیان در تفسیر آیه شریفه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»<sup>۴</sup> (بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلایی از آسمان یا زمین فرستد، یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی در افکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند) فرمود: «عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ» دجال و صیحه آسمانی است. «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» خسف سرزمین بیداست. «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا» عذاب گروه گروه شدن است، که منظور اختلاف در دین و امور مذهبی است. «وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» چشیدن زیانهای همدیگر و کشت و کشتار در میان اهل قبله است.<sup>۵</sup>

۱- بحار ج ۵۲ ص ۲۲۹ - بوم الخلاص ج ۲ ص ۱۰۴۳

۲- شورا آیه ۴۱

۳- بوم الخلاص ج ۱ ص ۴۹۵

۴- انعام آیه ۶۵

۵- بحار ج ۵۲ ص ۱۸۲

## ۷۷ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

۲۹ - امام هادی (ع) در ذیل آیه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ»<sup>۱</sup> (بقیه الله برای شما خیر است) می فرماید: «هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَ يُتِمُّ النِّعَمَ وَ يُحِقُّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ هُوَ مَهْدِيُّكُمْ الْمُنْتَظَرُ ثُمَّ قَرَأَ «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ» وَ قَالَ هُوَ وَ اللَّهُ بِقِيَّةُ اللَّهِ» او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند، نعمتها را کامل می سازد. خداوند حق را به دست او تحقق بخشد و باطل را نابود می سازد او مهدی منتظر شماست. آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ» سپس فرمود: به خدا سوگند بقیه (تنها حجت بازمانده خدا) همان مهدی (عج) است.

۳۰ - امام حسن عسگری (ع) می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَنَارِ وَ الْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ..... وَ مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُخَدَّثَةٌ مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَبْنِهَا نَبِيٌّ وَ لَا حُجَّةٌ» چون قائم قیام کند، دستور می دهد که مناره های مساجد و مکانهای مرتفع آن (شاه نشینها) را خراب کنند؛ و این یعنی، اینها بدعت است و هیچ پیامبری و یا وصی پیامبری آنها را بنیاد نکرده است.<sup>۲</sup>

۳۱ - پیامبر اسلام (ص) فرمود: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَفْسَدَ نَسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا» چگونه اید، هنگامی که برسد زمانی که زنهايتان فاسد گردند و جوانهايتان بی دین

۱- هود آیه ۸۶

۲- بحار ج ۵۲ ص ۲۲۳

## ۷۸ / بر ساحل انتظار

شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید. پرسیده شد: یا رسول الله! آیا اینگونه خواهد شد؟ فرمود: بله، از آن هم بدتر! چگونه اید زمانی که امر به منکر و نهی از معروف شود؟ گفته شد: یا رسول الله! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: بله، و بدتر از آن! چگونه اید وقتی که می بینید که معروف را منکر و منکر را معروف می کنند.<sup>۱</sup>

۳۲ - امام صادق فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ أَفْطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ» پیامبر فرمود: همانا اسلام با غریبی آغاز شد و با غربت باز می گردد پس خوشا به حال غریبها.<sup>۲</sup>

۳۳ - حذلم بن بشیر می گوید به علی بن الحسین (ع) گفتم که برای من خروج مهدی (عج) را توصیف کن و نشانه های او را به من بشناسان. حضرت فرمود: «يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ عَوْفُ السَّلْمِيِّ بَارِضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتُ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ مِنْ وَلَدِ عْتَبَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ» قبل از خروج مهدی (عج) مردی به نام عوف سلمی از زمین جزیره خروج می کند. ماوای او در تکریت است. در مسجد دمشق کشته می شود. پس از آن شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند. پس از آن سفیانی ملعون از بیابان یابس خروج خواهد کرد. او از فرزندان

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۸۱

۲- بحار ج ۵۲ ص ۱۹۱

## ۷۹ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

عتبه پسر ابوسفیان است. پس زمانی که سفیانی خروج کند مهدی (عج) مخفی شود و بعد از آن خروج می کند.<sup>۱</sup>

۳۴ - محمد بن بشیر گفت که از محمد بن حنفیه شنیدم که می گفت:

« إِنْ قَبْلَ رَأَيْتَنَا رَأَيْتَ لَالَ جَعْفَرٍ وَأُخْرَى لَالَ مَرْدَاسٍ فَأَمَّا رَأْيُهُ آلِ جَعْفَرٍ فَلَيْسَتْ بِشَيْءٍ وَلَا أَلِي شَيْءٍ » پیش از ظهور پرچمهای ما پرچمی برای آل جعفر و پرچمی برای آل مرداس ظاهر خواهد شد. پرچم آل جعفر به حساب نمی آید و دست ایشان به حلقه امارت و ریاست بند نخواهد شد.

وقتی که این سخن را شنیدم در غضب شدم و حال آنکه نزدیکترین مردم

به او بودم. گفتم فدای تو شوم، آیا پیش از بیدقهای شما پرچم دیگری

هست؟ فرمود: «إِي وَ اللَّهِ إِنْ لَبِنِي مَرْدَاسٍ مُلْكًا مُوْطِدًا لَا يَعْرِفُونَ فِي

سُلْطَانِهِمْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ سُلْطَانِهِمْ عُسْرٌ لَيْسَ فِيهِ يُسْرٌ يَدْتُونُ فِيهِ الْبَعِيدَ وَ

يَقْصُونَ فِيهِ الْقَرِيبَ حَتَّى إِذَا أَمَّنُوا مَكْرَ اللَّهِ وَ عِقَابِهِ صَبَحَ بِهِمْ صَبْحَةً لَمْ يَبْقَ

لَهُمْ رَاعٍ يَجْمَعُهُمْ وَ مُنَادٍ يَسْمَعُهُمْ وَلَا جَمَاعَةٍ يَجْتَمِعُونَ إِلَيْهَا وَ قَدْ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ

مَثَلًا فِي كِتَابِهِ "حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَنْتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهَا

قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَيْهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَا هَا حَصِيدًا كَأَنَّ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ

كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ"<sup>۲</sup> آری به خدا سوگند برای بنی

مرداس سلطنتی محکم هست. در ایام سلطنت خودشان اصلاً خیری از

آنها صادر نمی شود و سلطنتشان نسبت به خلائق، سخت و شدید می شود

و اندک خیری در آن نمی باشد. در ایام سلطنت، دوز را نزدیک و

۱- بحار ج ۵۲ ص ۲۱۳

۲- یونس ۲۴

## ۸۰ / بر ساحل انتظار

نزدیک را دور می سازند، تا وقتی که نسبت به مکر الهی و عذاب او، بی خیال می شوند. ناگاه صیحه ای عظیم به ایشان می رسد؛ یعنی آفتی به دولتشان روی می دهد، بطوری که نداکننده ای برای ایشان باقی نمی ماند که به ایشان بشنواند؛ یعنی صاحب حکمی در میان ایشان باقی نمی ماند که حکم خود را برای ایشان بشنواند و جمعیتی برای ایشان باقی نمی ماند که بسوی آن بروند. بدرستی که خدای تعالی در کتاب خود مثلی در حق ایشان فرمود: (تا وقتی که زمین زینت خود را از گل و گیاه اخذ نمود و مزین گردید و اهل زمین چنان گمان نمودند که بر زمین تسلط یافتند و مزین نمودن آن در دست ایشان است؛ آنگاه گردانیدیم آن را و مانند جایی نمودیم که زراعت و علف آن را بریده باشند. بطوریکه گویا دیروز با این گل و گیاه اصلاً رنگین نبود. اینچنین آیات و علامات را برای قومی که در آیات تفکر و تأمل می کنند تفصیل می دهیم). سپس محمد بن حنفیه سوگند خورد که این آیه در مورد ایشان نازل شده است<sup>۱</sup>.

۳۵ - ابن قاسم گوید شنیدم از امام صادق (ع) که فرمود: « عَلَیْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَخُدَّةُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَانظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَوَاللَّهِ الرَّجُلُ لِيَكُونَ لَهُ الْغَنَمُ فِيهَا الرَّاعِي فَإِذَا وَجَدَ رَجُلًا هُوَ أَعْلَمُ بِغَنَمِهِ مِنَ الَّذِي هُوَ فِيهَا يَخْرُجُهُ وَيَجِيءُ بِذَلِكَ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِغَنَمِهِ مِنَ الَّذِي كَانَ فِيهَا وَاللَّهُ لَوْ كَانَتْ لِأَحَدِكُمْ نَفْسَانِ يُقَاتِلُ بَوَاحِدِهِ يَجْرَبُ بِهَا ثُمَّ كَانَتْ الْأُخْرَى بَاقِيَةً فَعَمَلَ عَلَى مَاقِدِ اسْتَبَانَ لَهَا وَلَكِنْ لَهُ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ إِذَا أَذْهَبَتِ التَّوْبَةَ فَانْتُمْ أَحَقُّ أَنْ تَخْتَارُوا



## ۸۱ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

لَا تُفْسِكُمْ أَنْ آتَاكُمْ آتٍ مِنَّا مَانظَرُوا عَلَيَّ أَيِّ شَيْءٍ تَخْرُجُونَ وَلَا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَكَانَ صِدْقًا وَلَمْ يَدْعُكُمْ إِلَيَّ نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَيَّ الرَّايه مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيَّ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَيَّ سُلْطَانٌ مُجْتَمِعٌ لِيُنْقِضَهُ فَالْخَارِجُ مِنَّا الْيَوْمُ إِلَيَّ أَيُّ شَيْءٍ يَدْعُوكُمْ إِلَيَّ الرَّضَى مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَنَحْنُ نَشْهَدُكُمْ أَنَّا لَسْنَا تَرْضَى بِهِ وَ هُوَ يَعْصِينَا الْيَوْمُ وَ لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ وَ هُوَ إِذَا كَانَتِ الرَّايَاتُ وَالْأَلْوِيَةُ أَجْدُ أَنْ لَا يَسْمَعُ مِنَّا إِلَّا مَعَ مَنْ اجْتَمَعَتْ بَنُو فَاطِمَةَ مَعَهُ فَوَاللَّهِ مَا صَاحِبِكُمْ إِلَّا مَنْ اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ إِذَا كَانَ فَاقْبَلُوا عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَتَأَخَّرُوا إِلَيَّ شَعْبَانَ فَلَا ضَيْرُ وَ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَصُومُوا فِي أَهَالِيكُمْ فَلِعَلَّا ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى لَكُمْ وَ كَفَاكُمْ بِالسُّفْيَانِي عِلَامَةً « ملازم تقوای خدا باشید که یگانه و بی شریک است و به نفسهای خود نظر کنید. فرض کنید مردی گله گوسفند داشته باشد و برای آن گله شبانی باشد؛ وقتی که آن مرد کسی را پیدا کند که از شبان اول به احوال گوسفندان دانا تر است، آن شبان اول (احتمالا طاغوت) را بیرون می کند و گله خود را به این مرد (احتمالا امام خمینی «ره») که به احوال گوسفندان دانا تر است می سپارد. به خدا سوگند اگر برای هر کدام از شما دو جان می بود که با یکی از آنها قتال و جنگ کنید و تجربه قتال تحصیل نمایید و بعد از هلاکت آن جان، جان دیگر را در جنگ و جهاد به طریقی که تجربه کرده اید به کار اندازید. لکن برای شما یک جان است و وقتی که آن جان فانی گردد وقت توبه هم سر می آید. سزاوار است که شما برای جانهای خود این تدبیر را اختیار بکنید و اگر

## ۸۲ / بر ساحل انتظار

کسی از ما خروج کند و از شما استمداد بخواهد، بیاندیشید که به چه منظوری خروج می کند و بگویید که زید مثلاً خروج کرده و باید ما هم خروج کنیم. زیرا که زید مردی است عالم و راستگو ( در این دوران مثلاً "حضرت امام ره) و شما را به سوی خویش نخوانده، بلکه به رضای آل محمد(ص) خوانده است. هر گاه او ظهور نماید وفا می کند به آن چیزی که شما را به سوی او خوانده است. او بر پادشاهی که اسباب سلطنتش فراهم آمده ( در این عصر محمد رضا پهلوی ) خروج کرد، برای اینکه اساس سلطنتش را بر هم زند و دولتش را پایمال نماید. پس امروز هر که از ما خروج کند، به سوی رضای آل محمد (ص) بخواند و ما شما را شاهد می گیریم به اینکه ما به خروج او راضی نیستیم (بنی عباس) و او در این روز به ما عصیان می کند و به امر ما مخالفت می ورزد و در این امر کسی از ما باوی موافقت ندارد. ادعای سلطنت و لشکر کشی سزاوارتر است به اینکه از ما شنیده و مقبول نشود مگر کسی که بنی فاطمه باوی اتفاق نماید ( در انقلابی مثل انقلاب حضرت امام ره). پس بخدا سوگند نیست صاحب شما مگر کسی که بنی فاطمه باوی اتفاق می کند. وقتی که ماه رجب شد با نام خدای عزوجل روی آورید و خروج کنید. اگر بخواهید می توانید تا شعبان تأخیر کنید اگر دوست دارید روزه را در نزد اهل خود بمانید، امید است که برای شما بهتر باشد و خروج سفیانی در خصوص علامت بودن برای این امر کفایت می کند.<sup>۱</sup>

## ۸۳ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

۳۶- امام صادق (ع) از حضرت امیر (ع) روایت میکند که فرمود: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ فِي ثَلَاثِ قَبِلَ وَمَاهُنَّ قَالَ اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَالرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَالْفُرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقِيلَ لَهُ وَمَا الْفُرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ " إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ "»<sup>۱</sup> از سه چیز انتظار فرج ببرید. گفتند: آن سه چیست؟ فرمود: اختلاف بین شامیان و پرچمهای سیاه از خراسان و ترساننده ای در ماه رمضان. گفتند: ترساننده چیست؟ فرمود: آیا نشنیده اید سخن خدای عزیز و جلیل را که (هر وقت بخواهیم، نشانه ای از آسمان نازل می گردانیم آن وقت گردنهای ایشان به آن نشانه خضوع و فروتنی می کند) « إِنَّهُ يُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خِدْرِهَا وَيَسْتَيْقِظُهَا النَّائِمُ وَيَفْرَعُ الْيَقْظَانَ » آن ندا دختر با عفت را از خلوتخانه خود بیرون می آورد و خوابیده بیدار میشود و بیدار مضطرب می شود.<sup>۲</sup>

۳۷ - از ابی جعفر (ع) ذیل آیه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ»<sup>۳</sup> (هر کس در گرو اعمال خویش است) فرمود: اصحاب یمن ما و شیعیان ما هستند. بعد از آن فرمود: «شِيعَتُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ " فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمَجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ "»<sup>۴</sup> شیعه ما اهل بیت (در بهشت هستند و از مجرمین می پرسند که چه چیز شما را در سقر جای داد. ایشان می گویند: که ما از نماز گزاران نبودیم) یعنی شیعه علی ابن

۱- شعر آیه ۴

۲- بحار ج ۵۲ ص ۱۴

۳- مدثر آیه ۳۸

ایطالب نبودیم. "وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ"<sup>۱</sup>  
 در وقت ظهور قائم اطعام مسکین نمی کردیم و باغافلان بودیم "وَكُنَّا  
 نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ حَتَّىٰ اتَّانَا الْيَقِينُ"<sup>۲</sup> تکذیب روزهای قائم می کردیم.  
 "فَمَا تَنْفَعُهُمْ شِفَاعَةُ الشَّافِعِينَ"<sup>۳</sup> پس به ایشان شفاعت  
 شفاعت کنندگان سود نمی بخشد و پیغمبر (ص) در روز قیامت از اینها  
 شفاعت نمی کند.<sup>۴</sup>

۳۸- سیدبن طاووس در کتاب سعد السعود ذکر کرده در مقام سوال  
 ابلیس « قَالَ رَبِّ فَاَنْظُرْنِي اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ » (خداوندا مرا تا روز قیامت  
 مهلت ده) و جواب خدای تعالی به او « قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ اِلَى يَوْمِ  
 الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ » (خدای تعالی در جوابش فرمود: که تا روز قیامت مهلت  
 نمی دهم، ولكن توتا روز وقت معلوم از جمله مهلت داده شدگانی) آن  
 روزی است که قضای من بر آن جاری شده و بر خود واجب گردانیدم که  
 در این روز، زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک گردانم. پاره ای  
 از بندگان خود را برای این روز برگزیده ام که دلهایشان را برای ایمان  
 امتحان کرده ام و آن دلها را باورع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و حکم  
 و صبر و وقار و تقوی و دلهای آنان را به اعراض از دنیا و رغبت به ثواب  
 خدا ممل و گردانیده ام.

۴- بحار ج ۵۱ ص ۶۱

۵- حجر آیه ۳۶

۶- حجر آیه ۳۷

۱- مدثر آیه ۴۴

۲- مدثر آیه ۴۵

۳- مدثر آیه ۴۸

## ۸۵ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

وایشان را حافظان آفتاب و ماه و خلفای روی زمین می گردانم. وایشان را به عمل نمودن به دینی که برای ایشان برگزیده ام قادر و توانا می گردانم. بعد از آن عبادت مرا می کنند و هیچ چیز را بر من شریک قرار نمی دهند. نماز را در وقتش پیامی دارند. زکات را در زمان وجوبش رد و اداء می کنند. به معروف امر و از منکر، نهی می کنند. در آن زمان طریقه امانت را بر زمین می افکنیم. هیچ چیزی به هیچ چیزی ضرر و آسیب نمی رساند. بعد از آن گزندگان زمین و چارپایان در میان خلایق می باشند. هیچ یک از آنها به دیگری آزار نمی رساند و زهر هر صاحب زهر را از گزندگان زمین و غیر آن برمی داریم و سم هر گزنده را زائل می گردانیم. بر کتهای زمین و آسمان را بیرون می آوریم. زمین به سبب نیکویی گیاهانش زیبا و خرم می شود و همه میوه های زمین و انواع چیزهای خوب و پاکیزه آن بیرون می آید. رأفت و مهربانی به میان اهل زمین می اندازیم، پس بایکدیگر مواسات و مدارا می کنند. مال دنیا را بایکدیگر بالسویه قسمت می نمایند. فقیر، بی احتیاج و غنی می شود و بعضی بر بعضی دیگر تفوق نمی کنند. بزرگ به کوچک رحم می کند و کوچک تعظیم بزرگ را می نماید. به دین حق متدین و با آن دین، عدالت می ورزند. با عدالت حکم می کنند. ایشان دوستان منند و برای ایشان پیغمبری برگزیده و امتی ستوده اختیار نمودم و او را برای ایشان پیغمبر کردم و ایشانرا برای او دوستان و یاران قرار دادم. این امت را برای او اختیار کردم. زمان انجام این امور را در علم غیب خود پنهان و مستور کرده ام و از واقع شدن اینها چاره ای نیست. در آن زمان

ترا (ای ابلیس) وهمه سوارگان و پیادگان ترا هلاک خواهم نمود. پس برو هر چه که می خواهی بکن به درستی که تو تا روز وقت معلوم از جمله مهلت داده شد گانی.<sup>۱</sup>

۳۹ - یونس ابن عبدالرحمن گوید که: بر موسی ابن جعفر (ع) وارد شدم و به او گفتم ای پسر رسول خدا (ص)! آیا توئی قائم به حق؟ فرمود: من قائم به حق هستم و لکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک و عاری می گرداند و آن را پراز عدل می کند، چنانکه پراز ظلم گردیده، امام پنجمین است از اولاد من او را از جهت خوف بر نفس خود، غیبتی است طولانی که به سبب آن، پاره ای از اقوام از دین برمی گردند و پاره ای دیگر در آن ثابت می شوند. بعد از آن فرمود: خوبی و گوارائی باد بر هر شیعه ای که در زمان غیبت آن حضرت به محبت ما چنگ زند و با دشمنان ما دشمنی کند. اینها ثابت قدمند و ایشان از ما هستند و ما از ایشانیم. ایشان به امامت ما راضی و ما به شیعه بودن ایشان خشنود هستیم. خوبی باد مرایشانرا. به خدا سوگند ایشان در روز قیامت در درجه ما با ما هستند.<sup>۲</sup>

۴۰ - ابی الجارود روایت می کند که امام صادق (ع) در تفسیر آیه «ان الله قادر علی ان ینزل آیه<sup>۳</sup>» (بدرستیکه خدای تعالی قادر است بر اینکه آیتی نازل گرداند) فرمود: خدای تعالی در آخر الزمان علامات چند به مردم می نمایاند. از آن جمله «دابه الارض، دجال، پایین آمدن عیسی (ع)

۱- بحارج ۵۲ ص ۲۸۴

۲- بحارج ۵۱ ص ۱۵۱

۳- انعام آیه ۳۷

## ۸۷ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

از آسمان و طلوع خورشید از مغرب» است.<sup>۱</sup>

۴۱- امام صادق (ع) درباره تفسیر آیه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»<sup>۲</sup> (بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلائی از آسمان یا زمین بفرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی درافکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند) فرمود: «مِنْ فَوْقِكُمْ» عذاب دجال و صیحه است؛ یعنی خداوند کردگار قادر است بر این که از بالای سر شما عذاب بفرستد. «أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» عذاب فرو رفتن در زمین است. «أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا» قادر است بر اینکه لباس اختلاف را در خصوص دین بر شما پوشاند که بعضی در خصوص دین بایکدیگر اختلاف نمایند و یکدیگر را قذح و ذم نمایند. «وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» قادر است بر اینکه بچشاند به بعضی از شما، شدت و حدت بعضی دیگر را که بعضی از شما بعضی دیگر را بکشد و همه اینها در میان اهل قبله خواهد بود.<sup>۳</sup>

۴۲- پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: وقتی که خدای تعالی مرا به عرش بردند، ندای «یا محمد» به من رسید. گفتم: «لَيْتَكَ رَبُّ الْعَرْشِ» در آن حال وحی رسید که در خصوص کدام امر، اهل آسمان باهمدیگر مخاصمه نمودند؟ عرض کردم که مرا به آن علمی نیست. وحی

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۸۱

۲- انعام آیه ۶۵

۳- بحار ج ۵۲ ص ۱۸۲

## ۸۸ / بر ساحل انتظار

رسید: آیا از آدمیان برای خود وزیر و وصی اختیار کرده ای؟ گفتم: چه کسی را اختیار کنم؟ فرمود: یا محمد! برای تو از آدمیان، علی (ع) را انتخاب نمودم. عرض کردم: پسر عم مرا وصی من گردانیدی؟ پس وحی کرد: «علی، وارث تو و وارث علمِ توست بعد از تو و صاحبِ لُویِ حمد است در روز قیامت و صاحبِ حوضِ توست که سیراب می کند از آن مؤمنین را». بعد فرمود: «یا محمد! سوگند به ذات خود که از این حوض دشمنان تو و دشمنان اهل بیتِ تو نمی آشامند. جمیع امت ترا داخل بهشت می کنم مگر کسی که از داخل بهشت شدن ابا نماید». عرض کردم: آیا کسی هست که داخل بهشت شدن ابا نماید؟ فرمود: «بلی». عرض کردم: چگونه؟ فرمود: به درستی که من انتخاب نمودم برای تو، وصی بعد از ترا و او را به منزلهٔ هارون نمودم از برای موسی، مگر اینکه بعد از تو پیامبری نباشد، و محبت او را به دلت انداختم، او را پدرِ اولادِ تو کردم پس حق او بعد از تو بر امت تو مانند حق توست بر آنها. هر که حق او را انکار نماید حق ترا انکار کرده است. هر که از دوستی او ابا نماید از دوستی تو ابا کرده است و کسی که از دوستی تو ابا کند از دخول بهشت ابا کرده است». پس آنگاه در پیشگاه خدا به خاطر نعمتهایش به سجدهٔ شکر افتادم. منادی ندا کرد: «یا محمد» سر بردار و از من بخواه تا عطا کنم». عرض کردم: «بعد از من، امت مرا به ولایت علی (ع) جمع کن، تا اینکه همگی در قیامت به حوض من وارد شوند». فرمود: «پیش از آنکه بندگان را خلق کنم قضای



## ۸۹ / علامات ظهور در قرآن و حدیث

من جاری شده است؛ هر که را بخواهم هدایت می کنم و هر که را بخواهم  
هلاک مینمایم».

به درستیکه بعد از تو علم ترا به علی (ع) دادم و او را برامت تو وزیر  
و خلیفه بعد از تو نمودم. هر کس با او دشمنی کند و بر او خشم گیرد و  
ولایتش را انکار نماید داخل بهشت نمی شود. هر که او را دشمن داشته،  
ترا دشمن دارد و هر که ترا دشمن دارد مرا دشمن داشته است. هر کس او را  
دوست بدارد ترا دوست داشته است و هر کس ترا دوست بدارد مرا  
دوست داشته است. به درستیکه این فضیلت را برای تو و وی قرار دادم که  
از صلب علی (ع) یازده نفر مهدی بیرون آوردم که همگی از نسل حضرت  
زهرابند و آخرین ایشان، مردیست که در پشت سر او عیسی ابن مریم  
نماز خواهد کرد. او زمین را پراز عدل می کند چنانچه پراز ظلم و جور  
گردیده است. با او از هلاکت نجات خواهم داد و با او از گمراهی هدایت  
خواهم نمود و با او چشم کور را باز می کنم و مریض را شفای دهم».

عرض کردم: خداوند! در کدام وقت اینها می شود؟ فرمود: «وقتی که علم  
برداشته شد. جهل ظاهر گردید، قاری بسیار و عمل کم شد، قتل نفس  
بسیار گردید، فقیهان هدایت کننده کم شدند، فقیهان گمراه و خائن  
بسیار شدند، شعراء بسیار شدند، امت تو قبرهایشان را مسجد هایشان  
نمودند، به مصحفها زینت دادند، مساجد را بازو آراستند، ستم  
و فساد بسیار شد، امر به منکر و نهی از معروف نمودند، مردان به مردان و زنان  
به زنان اکتفا نمودند، امیرانشان اهل کفر و دوستانشان اهل ستم گردیدند،

## ۹۰/ بر ساحل انتظار

یاری کنندگان‌شان اهل ظلم شدند، اندیشمندان‌شان فاسق شدند، و در این وقت سه خسف واقع می‌گردد: خسفی در مشرق، خسفی در مغرب و خسفی در جزیره العرب، و شهر بصره به دست مردی از ذریّه تو خراب می‌شود که اتباع او زنجیانند. مردی از اولاد حسین ابن علی (ع) خروج می‌کند و دجال از سیستان بیرون می‌آید و سفیانی خروج می‌نماید». .

آنگاه حضرت فرمود: «کار فتنه بنی امیه و پسر عمم و آنچه تا روز قیامت خواهد شد، بعد از فرود به زمین به علی (ع) خبر دادم و اداء رسالت نمودم و حمد میکنم خدا را چنانکه پیامبران کردند.»<sup>۱</sup>

# رجعت در قرآن وحدیث

## ۹۳/ رجعت در قرآن و حدیث

۴۳ - محمد بن مسلم گوید: از حمران بن اعین و ابالخطاب شنیدم که آندو از امام صادق (ع) شنیدند که فرمود: «أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضَ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) وَ أَنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لِأَيِّرْجِعُ الْأَمِنُ مَخْضُ الْإِيْمَانِ مَخْضًا أَوْ مِنْ مَخْضِ الشُّرْكِ مَخْضًا» اول کسی که قبر را می شکافد و به دنیا باز می گردد حسین بن علی (ع) است و رجعت برای عموم انسانها نیست، بلکه برای عده ای خاص است و باز نمی گردند مگر مؤمن واقعی و مشرک واقعی»<sup>۱</sup>.

۴۴ - محمد بن طیار از امام صادق (ع) روایت میکند که ایشان ذیل آیه «يَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»<sup>۲</sup> (روزیکه محشور می شوند از هر امتی دسته ای) فرمود: «لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ إِلَّا سَيَّرَجِعُ حَتَّى يَمُوتَ وَلَا أَحَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَاتَ إِلَّا سَيَّرَجِعُ حَتَّى يُقْتَلَ» هیچ مؤمنی کشته نمی شود مگر اینکه در رجعت باز می گردد و می میرد و هیچ مؤمنی نمی میرد مگر اینکه باز می گردد تا کشته شود.<sup>۳</sup>

۴۵ - معاویه بن عمار به امام صادق (ع) در مورد قول خدای تعالی «انَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»<sup>۴</sup> سؤال کرد. حضرت فرمود: «هِيَ وَ اللَّهُ لِلنَّصَابِ» بخدا سوگند این آیه درباره ناصبی هاست. گفتم: فدایت شوم! آنها را می بینم که زمان طولانی زندگی می کنند تا می میرند.

۱- بحار ج ۵۳ ص ۳۹

۲- نمل آیه ۸۳

۳- بحار ج ۵۳ ص ۴۰

۴- طه آیه ۱۲۴

قَالَ: « ذَاكَ وَ اللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ تَأْكُلُونَ الْعَذْرَةَ » فرمود: به خدا قسم در رجعت است که نجاست می خورند.<sup>۱</sup>

۴۶ - ابا بصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که او از پدرش روایت کرد تا سند روایت را رساند به رسول الله (ص) که: « انْتَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ نَائِمٌ فِي الْمَسْجِدِ قَدْ جَمَعَ رَمْلًا وَ وَضَعَ رَأْسَهُ عَلَيْهِ فَحَرَكَهُ بِرِجْلِهِ ثُمَّ قَالَ يَا دَابَّةُ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْسَمِي بَعْضَنَا بَعْضًا بِهَذَا الْأَسْمِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ مَا هُوَ إِلَّا لَهْ خَاصَّةٌ وَ هُوَ الدَّابَّةُ الَّتِي ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ "وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنْ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ" <sup>۲</sup> ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِي أَحْسَنِ صُورِهِ وَ مَعَكَ مَيْسَمٌ تَسْمُ بِهِ أَعْدَائُكَ » رسول الله رسید به علی (ع) و او در مسجد خوابیده بود، به اینصورت که مقداری خاک نرم جمع کرد و سر خود را بر آن قرار داده بود. با پایش او را حرکت داد و فرمود: برخیز ای دابه خدا! پس مردی از اصحابش گفت: ای رسول خدا (ص) آیا بعضی از ما را نیز به این نام می خوانی؟ فرمود: نه. به خدا سوگند این نام مخصوص علی (ع) است و او دابه ای است که در قرآن ذکر آن رفته است (هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد جنبده ای از زمین برانگیزیم که با آنان تکلم کند که مردم به آیات ما از روی یقین نمی گروند). سپس فرمود: ای علی! وقتی آخر زمان

۱- بحار ج ۵۳ ص ۵۱

۲- نمل آیه ۸۲

## ۹۵/ رجعت در قرآن و حدیث

شد، خداوند به زیبا ترین صورت، ترا خروج می دهد و با تو مَهْری است که دشمنانت را مشخص می کنی.<sup>۱</sup>

۴۷ - ابا بصیر و محمد بن مسلم از قول امام باقر (ع) و امام صادق (ع) ذیل آیه « وَ حَرَامٌ عَلٰی قَرَبِهِ اَهْلُكُنَّهَا اِنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ »<sup>۲</sup> (اهل دیاری را که هلاک گردانیم دیگر زندگانی بر آنها حرام و هرگز به دنیا باز نخواهند گشت) می گویند: «فِي الرَّجْعَةِ فَهَذِهِ الْآيَةُ مِنْ اَعْظَمِ الدَّلَالَةِ فِي الرَّجْعَةِ لَانَّ اَحَدًا مِنْ اَهْلِ الْاِسْلَامِ لَا يَنْكُرُ اَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ يَرْجِعُونَ اِلَى الْقِيَامَةِ فَقَوْلُهُ "لَا يَرْجِعُونَ" يَعْنِي فِي الرَّجْعَةِ فَاَمَّا اِلَى الْقِيَامَةِ يَرْجِعُونَ حَتَّى يَدْخُلُوا النَّارَ» این آیه بزرگترین دلالتش در رجعت است؛ چون هیچ کس از مسلمین منکر قیامت همگانی نیست، چه کسی که هلاک شد و چه کسی که هلاک نشد، و سخن خداوند در مورد "لَا يَرْجِعُونَ" عنایت دارد به رجعت و کافران در قیامت باز می گردند تا داخل آتش شوند.<sup>۳</sup>

۴۸ - ابی الجارود گوید شنیدم از کسی که در محضر علی (ع) شنید که می فرماید: «الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جَمَادِي رَجَبٍ» شگفتی و تمام شگفتی بین ماه جمادی و رجب است. مردی برخاست و گفت: ای امیرمومنان چیست این شگفتی که همیشه از آن شگفت زده ای؟ فرمود: «اَعْجَبُ مِنْ اَمْوَاتٍ يَضْرِبُونَ كُلَّ عَدُوِّ اللَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ لِاهْلِ بَيْتِهِ»

۱- بحار ج ۵۳ ص ۵۳

۲- انبیاء ۹۵

۳- بحار ج ۵۳ ص ۵۲

کدام شگفتی شگفت انگیزتر از مردگانی است که می زنند هر دشمنی که برای خدا و رسول و اهل بیت او دشمنی کرده است. «وَأَذِلَّكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ» و آن تاویل این آیه است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ»<sup>۱</sup> (ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنان غضب کرده یار و دوستدار خود نگیرید، چرا که آنها از عالم آخرت به کلی مأیوسند چنانکه کافران از اهل قبور نومیدند) «فَإِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ قُلْتُمْ مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَوْ آوَىٰ وَادَّسَلَّكُمْ» پس هنگامی که کشتار شدت گرفت، شما گفتید که مرده است یا هلاک گردیده است یا در کدام بیابان رفته است.

«وَأَذِلَّكَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ» و آن تاویل این آیه است: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (آنگاه شما را بر آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیم و عده جنگجویان شما را بسیار گردانیم تا بر دشمن غلبه کنید).<sup>۲</sup>

۴۹ - ابان بن تغلب گفت به قومی رسیدم که مرا به خاطر روایتی از امام صادق (ع) سرزنش می کردند به آنها گفتم: كَيْفَ تَلُمُونِي فِي رِوَايَتِي عَنْ رَجُلٍ مَسَّالَتْهُ عَنْ شَيْءٍ الْأَقَالَ: قَالَ رَسُولَ اللَّهِ (ص). قَالَ فَمَرَّ صَبِيَانٌ وَ هُمْ يُنْشَدُونَ الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جَمَادِي رَجَبٍ فَسَأَلْتُهُ عَنْهُ فَقَالَ لِقَاءُ الْأَحْيَاءِ بِالْأَمْوَاتِ چگونه مرا سرزنش می کنید در روایت کردن از مردی

۱- منته ۱۳

۲- بحار ج ۵۲ ص ۶۰

## ۹۷/ رجعت در قرآن و حدیث

که سئوالی از او پرسیده نشد مگر اینکه جوابش را از قول رسول خدا داد. از جمله: از کنار پسر بچه هایی می گذشتیم که با هم سرود می خواندند: (الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جَمَادِي رَجَبِ). پس از او پرسیدم درباره این جمله که فرمود: ملاقات زنده ها با مرده هاست.<sup>۱</sup>

۵۰- امام صادق (ع) فرمود که رسول خدا (ص) به امیرالمؤمنین رسید، درحالیکه او خوابیده بود مقداری خاک جمع نمود و سرخود را بر آن قرار داده بود؛ با پای خود او را تکان داد و فرمود: قُمْ يَا دَابَّةُ اللَّهِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْتَ مَيِّ بَعْضَنَا بَعْضًا بِهَذَا الْإِسْمِ فَقَالَ لِمَا وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّةٌ وَهُوَ دَابَّةُ الَّتِي ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»

فرمود: «برخیزای دابه خدا» پس مردی از اصحابش گفت: ای رسول خدا (ص) آیا بعضی از ما بعضی را به این نام می خوانیم؟ پس فرمود: نه. به خدا نیست این اسم مگر مخصوص او و او دابه ای است که خداوند ذکر او را در قرآن نموده است (و هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد جنبنده ای از زمین برانگیزیم که با آنان تکلم کند که مردم به آیات ما از روی یقین نمی گروند.) و تئیکه قول بر خلائق واقع می گردد، بیرون می آوریم از زمین برای ایشان دابه را که با ایشان سخن می گوید. مراد از دابه الارض امیرالمؤمنین است که در ایام ظهور قائم (عج) پیشانی مردم را مهر می زند که نوشته می شود "هذا مؤمناً" و "هذا کافراً".<sup>۲</sup>

۱- بحار ج ۵۲ ص ۶۰

۲- بحار ج ۵۳ ص ۵۲



۵۱- از حضرت صادق (ع) در خصوص قول خدای تعالی «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ الْأَعْمَى»<sup>۱</sup> (هر کس در این دنیاینا است در عالم آخرت نیز نابینا است) فرمود: «این آیه در خصوص رجعت است»<sup>۲</sup>

۵۲- امام صادق (ع) می فرمایند: قول خدای تعالی «وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»<sup>۳</sup> (و به روزی که بانگ دهنده از جایگاهی نزدیک بانگ دهد، گوش کن) در خصوص رجعت است. آنروز، خلاق، صیحه ای را که حق است می شنوند. این است، روز خروج.<sup>۴</sup>

۵۳- از حضرت صادق (ع) در خصوص قول خدای تعالی «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ»<sup>۵</sup> (روزی که نفخه ای جهان را بلرزاند و نفخه ای از پی آن درآید) فرمود: «راجفه حسین ابن علی است و رادفه علی ابن ابی طالب است. یعنی یاد کن روزی را که حسین ابن علی (ع) خروج و جنبش می کند و از پی آن امیرالمؤمنین (ع) خروج می نماید. اول کسی که گرد و خاک قبر از سرش می تکاند حسین ابن علی (ع) است، با هفتاد و پنج هزار نفر و اینست معنی قول خدایتعالی.<sup>۶</sup>

۵۴- جمیل ابن درّاج گفت: امام صادق (ع) درباره آیه «أَنَا لَنْ نَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»<sup>۷</sup> (ما هر آینه فرستادگان خویش را و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و روزی که

۷- مؤمن آیه ۵۱

۴- بحار ج ۵۳ ص ۵۶

۱- اسراء آیه ۷۲

۵- نازعات آیه ۶

۲- بحار ج ۵۳ ص ۶۷

۶- بحار ج ۵۳ ص ۱۰۶

۳- ق آیه ۴۱

## ۹۹/ رجعت در قرآن و حدیث

گواهان پیا شوند "آخرت" یاری می کنیم) پرسیدم فرمود: بدرستی که ما به پیغمبران خود و به آنان که در مدت زندگانی دنیا ایمان آورده اند یاری می کنیم و نیز روزی که شهیدان برمی خیزند. آنروز عذر آوردن ستمکاران سودی برایشان ندارد. و در دار عقبی برایشان لعنت ابدی است.<sup>۱</sup>

# انقلاب اسلامی در قرآن و حدیث

## ۱۰۳ / انقلاب اسلامی در قرآن و حدیث

۵۵ - در کتاب سفینه البحار، علی بن عیسی از ابویوب بنی یحیی جندل و او از موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْتَبُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»  
مردی بزرگ از شهر قم بر می خیزد تا همه مردم را به سوی خدا و حق دعوت کند مردمانی دلیر و شجاع که مانند پاره های آهن پرتوان و با استقامت هستند پیرامون او جمع می شوند. هیچ تند بادی نمی تواند آنانرا از حرکت بازدارد، تا اینکه به مقصد می رسند و بدون هیچگونه ترس و هراسی با دشمنان دین مبارزه می کنند و بر آنها غالب می شوند. سرمایه اینان فقط ایمان و توکل به خداست ( که همان شعار الله اکبر است ) و عاقبت مخصوص پرهیزکاران است.<sup>۱</sup>

۵۶- عن ابی داود بن عبدالله بن شریک عن ابی جعفر (ع) قال: «أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَالزُّبَيْرُ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ جَلَسُوا أَيْضاً رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ فَجَلَسَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ (ص) فَانْقَطَعَ شِسْعُهُ فَرَمَى بِنَعْلِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَنِّي يَمِينُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ قَوْمًا مِنَّا عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ وَجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ تَغْشَى وَجُوهَهُمْ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ دُونَهُمْ قَالَ أَبُو بَكْرٍ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَكَتَ فَقَالَ زُبَيْرٌ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَكَتَ فَقَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَكَتَ فَقَالَ عَلِيُّ (ع) مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ هُمْ قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أَنْسَابٍ وَ لَا أَمْوَالٍ

أُولَئِكَ شِيعَتُكَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ يَا عَلِيُّ». ابی داود بن عبدالله بن شریک از امام محمد بن باقر (ع) روایت می کند که فرمودند: «ابوبکر، عمر، زبیر و عبدالرحمن بن عوف در آستانه خانه رسول الله (ص) نشسته بودند. حضرت رسول (ص) از خانه بیرون آمد و در کنار آنها نشست بند نعلین آن حضرت پاره شده بود. آنرا به علی بن ابیطالب (ع) دادند و فرمودند: در سمت راست خداوند عَزَّوَجَلَّ و یا سمت راست عرش، قومی از ما (مردمی از پیروان ما) بر منبری از نور هستند صورتشان از نورو لباسشان نیز از نور است. درخشندگی سیمایشان دیدگان ناظران را جلب می کند. ابوبکر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول سکوت کرد و پاسخ نداد. سپس زبیر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول سکوت کرد. سپس عبدالرحمن گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ باز حضرت سکوت کرد. آنگاه علی بن ابیطالب (ع) گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ رسول اکرم (ص) فرمودند: «هُمْ قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أَنْسَابٍ وَلَا أَمْوَالٍ أُولَئِكَ شِيعَتُكَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ يَا عَلِيُّ». آنها قومی هستند که با توجه به روح الله با یکدیگر محبت می کنند و وسیله پیوند قلوب و نزدیکی آنان با یکدیگر روح الله است، نه وابستگی فامیلی و خویشاوندی و نه اموال و ثروت و آنها شیعیان تو هستند و تو امام آنان ی علی<sup>۱</sup>.

## ۱۰۵ / انقلاب اسلامی در قرآن و حدیث

۵۷- حسن بن محبوب از معاویه بن وهب از امام جعفر صادق (ع) نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «انَّ عِنْدَ كُلِّ بَدْعٍ تَكُونُ مِنْ بَعْدِي يَكَادُ بِهَا الْإِيْمَانُ وَلِيًّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مُوَكَّلًا بِهِ يَذُبُّ عَنْهُ يَنْطِقُ بِالْهَامِ مِنَ اللَّهِ وَ يُغْلِنُ الْحَقَّ وَ يُنَوِّرُهُ وَ يَرُدُّ كَيْدَ الْكَاذِبِينَ يُعْبِرُ عَنِ الضُّعْفَاءِ فَاعْتَبِرُوا يَا أَوْلِي الْأَبْصَارِ وَ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ» پس از من هر بدعتی که برای نیرنگ زدن توام با ایمان پیدا شود ( که به واسطه آن بدعتها حق از باطل تمیز داده نشود) خداوند سرپرست و پیشوا و رهبر دانشمندی از اهل بیت من به ولایت و کالت و نیابت استمرار امامت می گمارد تا از ایمان و دین خدا دفاع کند و به زبان الهام از طرف خداوند سخن بگوید و حق را آشکار و روشن کند و نیرنگ مکاران را رسوا کند و زبان گویای مستضعفین باشد. از هوشمندان پند گیرید و به خدا توکل کنید.<sup>۱</sup>

۵۸- در کتاب کنز الاعمال حسام الدین هندی از دانشمندان بزرگ اهل تسنن متوفی ۹۸۱ هجری حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قِيَوِطِثُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» از علائم آخر زمان آن است که مردی از مشرق زمین قیام می کند و زمینه را برای انقلاب جهانی و تسلط مهدی امام زمان (عج) فراهم می سازد.<sup>۲</sup>

۵۹- از امام محمد باقر (ع) روایت شده که فرمود: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۷۰ حدیث ۵

۲- کنز العمال حدیث ۳۸۶۵

## ۱۰۶ / بر ساحل انتظار

وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ أَمَا أَنِّي لَوُ أَدْرِكُ ذَلِكَ لَأَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ» گویا می بینم مردمی از مشرق زمین قیام کرده اند. حق را طلب می کنند ولی سردمداران حکومت و سلطان طاغوت زمان حق حکومت آنان را نمی شناسند پس از مدتی دوباره حق را می طلبند و این بار نیز از دادن حق آنان سر باز می زنند. این بار مردم شمشیرهای خود را بر شانه ها و گردنهای خود می نهند و با حکومت طاغوت زمان خود می جنگند. رژیم طاغوت باز هم خواست آنها را اطاعت نمی کند. اما در این مرتبه مردم نیز قیام می کنند، تا آنکه رژیم را ساقط کنند و حکومت اسلامی تشکیل می دهند و این حکومت را در دست دارند تا به صاحب حقیقی آن حضرت بقیه الله الاعظم حجه ابن الحسن المهدی امام موعود (عج) تحویل دهند. کشته های آنان شهیدند. آگاه باشید اگر من (حضرت امام باقر (ع)) آن زمان را درک کنم خود را برای صاحب این امر نگه می داشتم.<sup>۱</sup>

۶۰- شیخ مفید در کتاب ارشاد از مسعده ابن صدأقه روایت کرده که وی از امام صادق (ع) شنیده که می گفت: امیرالمؤمنین در کوفه خطبه خواند و در آن خدایتعالی را حمد و ثنا کرد. بعد از آن فرمود: من سید پیرانم و در من سنتی است از ایوب. به زودی خدایتعالی اهل مرا برای من جمع می کند، چنانکه برای یعقوب جمع نمود و این در وقتی می شود که

## ۱۰۷ / انقلاب اسلامی در قرآن و حدیث

اوضاع زمان متغیر می باشد و شما می گوئید مرده است یا هلاک گردیده. آگاه شوید و پیش از آن حالت، صبر را شعار خود سازید. با گناه و تقصیر به طرف خدا برگردید. به درستی که پاکی خودتان را از دست دادید و چراغهای خود را خاموش کردید و در هدایت خود تقلید کسی کردید که بر نفس خود و نفس شما مالک نیست. به خدا سوگند که طالب و مطلوب هر دو ضعیفند. اگر در امر خود کوتاهی نکنید و در زمان یاری رساندن به پیامبر (ص)، در خصوص حق، یکدیگر را تنها نگذارید و از سست کردن باطل سستی نکنید، کسانی که در شجاعت و دلیری مثل شما نیستند بر شما دلیر نمی شوند و هیچ قومی بر شما غالب نمی شود و اطاعت خدا را نمی شکنند و طاعت را از اهل آن زایل نمی کند. در آن زمان متحیر و گمراه می شوید چنانکه بنی اسرائیل در عهد موسی گمراه شدند. به راستی می گوئیم دو برابر گمراهی بنی اسرائیل بعد از من گمراه می شوید. هر گاه که از سلطان شجره ملعونه که در قرآن مذکور شده سیراب شوید، اتفاق می کنید بر کسی که به گمراهی دعوت می کند و دعوت باطل را اجابت می کنید و عهد و پیمان داعی حق را می شکنید و از کسی که اهل جهاد است قطع الفت می کنید و با کسانی که از مجاهده و محاربه دورند مواصلت می نمایید و اگر آن چیزی که در دست سلاطین جابره است از ایشان زایل شود آن وقت اجر و جزا به خالص شدن نزدیک است و پرده ها برداشته می شود و مدت می گذرد و وعده نزدیک می گردد و ستاره شما از سمت مشرق طلوع می کند و قمر شما در حالت بدریت برای شما



## ۱۰۸ / بر ساحل انتظار

روشن می گردد وقتی که این امر ظاهر گردید توبه بکنید و معصیت را از خود دور نمایید و بدانید که اگر از کسی که از مشرق طلوع می کند اطاعت کنید شما را در طریق رسول خدا (ص) به راه خواهد برد. آن وقت کوری و کوری خود را مداوا خواهید نمود و از زحمت طلب و بیراهگی فارغ خواهید شد و از خدا دور نمی شود مگر کسی که از رحمت ابا و از عصمت مفارقت نماید.<sup>۱</sup>

مثنوی خورشید

امامت

## ۱۱۱ / مثنوی خورشید امامت

این مثنوی را در ثنای حضرتش به ترتیب حروف الفبا سرودم تا یاد او را جلوه گر قلوب عاشقانش گردانم:

- ا ای امامی که پس پرده غیبت هستی  
ای چه خورشید جهان دادرس امت هستی<sup>۱</sup>  
ب بود آیا که شود روز نجات امت  
بر در رکن و مقام باشیم ترا در خدمت<sup>۲</sup>  
ت تو نور حقی و نور خدا در همه جا  
تو ولی هستی و مولی به ولایت دل ما<sup>۳</sup>  
ث ثابت است حب امامت به دل هر مؤمن  
ثبت در روز ازل شد از فریبی ایمن<sup>۴</sup>  
ج جور و ستم و ظلم جهان را بگرفت  
جور در روی زمین پر شد و عالم بگرفت<sup>۵</sup>  
ح حال رنجور مرا هست نجاتی بنما  
حالت ضعف مرا هست حیاتی بنما<sup>۶</sup>

۱- و یستضیئون بنور ولایته فی غیبه کانتفاع الناس بالشمس ... بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۳

۲- بیایع بین الرکن والمقام ..... الملاحم و الفتن ص ۵۱

۳- و قد وصل الله طاعه ولی امره بطاعه رسوله ..... اصول کافی ج ۲ ص ۴۷

۴- المؤمنون من طینه الانبیاء ... اصول کافی احادیث طینت ص ۳۵ ... شرح احادیث طینت

آقا جمال خوانساری

۵- تکون فتنه و بیدها فتنه ... الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۳۶

۶- انا غیر مهملین لمراعاتکم ..... احتجاج طبرسی ص ۴۹۷

خ خودت منتظری منتظرین چشم به راه  
خالقا تو بنما حجت ما را بر ما<sup>۱</sup>  
د در زمان غیبت شاها ز پنهانی تو  
دوستانت در همدند و دشمنان غافل ز تو<sup>۲</sup>  
ذ ذوق دیدار تو را لحظه که بر سر داریم  
ذوق و شوق تو همین بس که چه سرور داریم<sup>۳</sup>  
ر رسیم آیا که بینیم قیامت بر پاست  
رهنما قائم و عدلش چه سراسر بر پاست<sup>۴</sup>  
ز زور و بازوی به جان نیست که هر فردی است  
زور اصحاب قائم چهل مردی است<sup>۵</sup>  
س سرم را می زند اگر مقصر باشم  
سهل و آسان یا عمل باشد و شاکر باشم<sup>۶</sup>  
ش شکی نبود شیعة اثنی عشری  
شاکر و زاهد و عادل بود و با خبری<sup>۷</sup>

۱- ... فانظروا انی معکم من المنتظرین ... اعراف ۷۱

۲- اللهم انتقم من اعدائی ... بحار ج ۵۲ ص ۳۰

۳- انا خاتم الاوصیاء ... بحار ج ۵۲ ص ۳۰

۴- طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی ... غیبت شیخ طوسی ص ۲۷۵

۵- اعطی الرجل قوه اربعین رجلا ... بحار ج ۵۲ ص ۳۷۲

۶- و من لم یسلم ضرب عنقه ... عن الحججه العیاشی باسناد عن ابن بکیر

۷- فان الشک فی امر الله عز و جل کفر ... ینابیع الموده عن سعید بن جبیر

- ص صبری بده ای خالق حیّ و قیوم  
صابرین صبر کنند ظفر یقین و معلوم<sup>۱</sup>
- ض ضربت بن ظالمان برپیکر آل رسول  
ضربتی وارد بداء واقع که تأخیر شد ظهور<sup>۲</sup>
- ط طالب قائم به خدمت توانگر باشد  
طلبد خون شهیدان و به سنگر باشد<sup>۳</sup>
- ظ ظهورش بر ما شیعه اثنی عشری  
ظفر است و کرم و لطف و عنایت داری<sup>۴</sup>
- ع عالمی شاهها که هر کس عادل است یا ظالم است  
عدل حق بر پا شود کار تماماً مشکل است<sup>۵</sup>
- غ غیبت کبری تو بر امتحان آمد بشر  
غافلان در خواب غفلت شیعیانت منتظر<sup>۶</sup>
- ف فرقه ناجیه یک فرقه بود خواهانند  
فرقه ها لکه هفتاد و دو گمراهانند<sup>۷</sup>

۱- اما ان الصابرين في غيبه على الاذى والتكذيب ... كفايه الاثر از عبدالرحمن بن ثابت

۲- زعمت الظلمه ان حجه الله داخضه ... كمال الدين ص ۴۳۰

۳- ليعدن احدكم لخروج القائم و لوسهما ... غيبت نعمانی ص ۱۷۳

۴- انا خاتم الاوصياء و بي يدفع الله البلاء عن اهلي و شيعتي ... بحارج ۵۲ ص ۳۰

۵- فما يحبسنا عنهم الا ما يتصل بنا مما نكرهه و لا تؤثره منهم ... بحارج ۵۳ ص ۱۷۷

۶- من مات منكم على هذا الامر منتظرا " كان كمن في فسطاط القائم ... كمال الدين ج ۲ ص

۷- ... فمن تبعه نجى و من تخلف عنه هلك ... قال رسول الله كفايه الاثر

- ق قول احمد بود و صدق رسول الله است  
قائم آل محمد (عج) نظرش با ما است<sup>۱</sup>
- ک کافران را نبود بهره اشان امیدی  
که در این دار جهان شاهدشان را دیدی<sup>۲</sup>
- ل لطفی بر ما کن که ولی عصری  
لحظه بر لحظه فتد شاها عطا و نصری<sup>۳</sup>
- م ما که داریم چنین شاه ولایت مهدی  
مخوریم غم که نزدیک ظهورش قحطی<sup>۴</sup>
- ن نعمت عقل به هر کس که دهی هشیار است  
نشود منحرف و رذل خدا قهار است<sup>۵</sup>
- و واردین ورد زبانشان دعای غریقی  
واسطه است این دعا منما در آن دریغی<sup>۶</sup>

۱- ... انا غیر مهملین لمراعاتکم ... امام مهدی بحار ج ۵۳ ص ۱۷۵

۲- ... من کذب بالمهدی فقد کفر ... قال رسول الله ینابیع الموده

۳- وها نحن منتظرین الفرج ... یوم الخلاص

۴- ان العذاب الادی هو القحط ... یوم الخلاص ج ۲ خ ۸۲۵

۵- ... ینکون رحمہ علی المؤمنین وعذابا علی الکافرین ... یوم الخلاص ج ۲ ص ۸۸۰

۶- یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک ... مفاتیح الجنان حاج شیخ

ه هوسمان هست که با عترت طه باشیم  
هم به ظاهر شدن شاه به دنیا باشیم<sup>۱</sup>  
لا لایق درک حضورش نشود هر ملت  
به وصالش نرسد جز زره سنخیت<sup>۲</sup>  
ی یاربا! ما قَسَمْتُ وَاللَّهِ بِهِ أَنْ يَكْتَابِي  
یاری ما را بکن بر منکرین بنمایی<sup>۳</sup>  
بود خمینی رهبر ما رهبر مستضعفان  
نهضتش با داماد تا نهضت صاحب زمان<sup>۴</sup>  
آل جعفر بود رهبر بر جمیع مسلمین  
پرچمش کن متصل بر پرچم سلطان دین<sup>۵</sup>  
ضامن پرچم بود سید علی از خامنه  
از خدا خواهیم که خاص الخاص باشد بر همه<sup>۶</sup>  
سیدی هست از خراسان در روایت آمده  
رایتش را می کند تسلیم مهدی فاطمه<sup>۷</sup>

۱- من سر ان یكون من اصحاب القائم فليتنظر ... غیبت نعمانی باب ۱۱ حدیث ۱۶

۲- اصبروا علی اداء الفرائض ... منتخب الاثر فصل ۱۰ باب ۵ حدیث هشتم

۳- اللهم اعل الحق واستنقذ الخلق و امن علينا بالنجاه ... بحار ج ۱۰۱ ص ۳۱۱

۴- انتظروا الفرج فلا تياسوا من روح الله ... بحار ج ۵۲ ص ۱۲۳

۵- ان قبل راياتنا رايه لآل جعفر ... بحار ج ۵۲ ص ۲۴۶

۵- منظور، ۳۱۳ نفر اصحاب خاص امام زمان (عج) می باشند.

۶- حتی یخرج علیهم الخراسانی ... بحار ج ۵۲ ص ۲۳۲

۷- اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته ... دعای کمیل

این ذبیح رو سیاه غرق گناه و معصیت

کیش قلم بر جرم او خالق رحیمی ای احد<sup>۱</sup>

کن شفیع روز محشر هم محمد هم علی

فاطمه بعداً حسن بعداً حسینم تا ولی<sup>۲</sup>

ما به فضل تو نظر داریم رب العالمین

حاجت ما را روا کن در یسار و دریمین<sup>۳</sup>

---

۱- و انا عبدك الضعيف الضلیل الحقییر المسکین المستکین

۲- اللهم ارزقنی شفاعت الحسین یوم الورد ... «زیارت عاشورا»

۳- یا دائم الفضل علی البریه ... «دعای شب جمعه»

---



## « نمایه »

۷۵-۷۸-۸۰-۸۳-۸۶-۸۷-۹۶-۹۷-۹۸-	آرتور: ۲۵
۱۰۵-۱۰۶	آل جعفر (ع): ۷۹-۱۱۵
۷۱-۴۳-۴۲-۵۱-۲۲: (ع) امام علی	آل مرداس: ۷۹
۶۱-۷۵-۸۳-۸۸-۸۹-۹۵-۹۷-۹۸-	آوالون: ۲۵
۱۰۴-۱۰۶	ابراهیم: ۱۷-۴۷
۱۰۳-۸۶-۶۷-۴۳: (ع) امام کاظم	ابوبکر: ۱۰۴
۷۷: (ع) امام هادی	احتجاج: ۴۱-۴۲
امیرالمومنین (ع) ← امام علی (ع)	ارشاد: ۱۰۶
اودین: ۲۵	استانبول: ۷۰
اورشلیم: ۱۸	اسحق: ۲۵
اوستا: ۲۴	اسکاندیناوی: ۲۵
اناجیل/انجیل ( برنابا، متی، مرقس): ۱۹-	اسلاو: ۲۴
۲۰	اسماعیل: ۱۷-۲۵
انگلستان: ۲۵	اشعیا: ۱۸-۱۹
اهریمنان: ۲۳	اصول کافی: ۴۱-۴۴-۵۲
اهورامزدا: ۲۳	امام باقر (ع): ۵۲-۶۲-۶۳-۶۵-۶۷-۶۸-
ای پوور: ۲۶	۷۲-۷۳-۷۶-۸۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶
ایزدان: ۲۳	امام تقی (ع): ۴۳
ایرانیان باستان: ۲۴	امام حسن (ع): ۱۱۶
ایستاده: ۲۱	امام حسن عسگری (ع): ۴۱-۴۳-۴۵
اینشتین: ۲۷	امام حسین (ع): ۷۴-۹۰-۹۸-۱۱۶
ایوب: ۱۰۶	امام رضا (ع): ۴۳-۶۱
باسک: ۲۰	امام سجاد (ع): ۴۳-۷۸
بحار: ۴۱-۴۴-۴۶	امام صادق (ع): ۴۰-۴۱-۴۳-۴۴-۴۵-
بخت النصر: ۷۰	۴۶-۴۷-۵۱-۵۸
بدا: ۱۱۳	۶۱-۶۲-۶۳-۶۵-۶۶-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-

## ۱۱۸ / بر ساحل انتظار

حجاز / جزیره العرب: ۶۳-۹۰	برتراند راسل: ۲۷
حدیقه الشیعه: ۴۵	برهما ییان / برهمن: ۲۲-۲۴-۲۵
حسام الدین هندی: ۱۰۵	بصره: ۹۰
حیفه: ۴۳	بنی اسرائیل: ۴۷-۱۰۷
حجی: ۱۹	بنی امیه: ۷۶-۹۰
حزقیال: ۱۹	بنی عباس: ۸۲
حقوق: ۱۹	بنی فاطمه: ۸۲
خامنه ای (آیت الله): ۱۱۵	بوریان بوردیهم: ۲۵
خاتم ← پیامبر اکرم (ص)	بوخص: ۲۵
خجسته: ۲۲	بهمن یشت: ۲۴
خراسان: ۷۶-۸۳-۱۱۵	بیت المقدس: ۷۰
خردشهر ایزد: ۲۲	بیدا: ۷۶
خسف: ۹۰	پاتیکل: ۲۲
خط استوا: ۲۱	پشن: ۲۲
خمینی (امام) / روح الله: ۵۵-۵۷-۵۸-۸۱	پیامبر اسلام (ص): ۳۵-۴۰-۴۳-۴۶-۵۱
۸۲-۱۰۴-۱۱۵	۵۲-۵۵-۶۸-۷۷-۷۸-۸۴-۸۷-۸۸-۹۷
خورشید جهان: ۲۳	۱۰۴-۱۰۵-۱۰۷-۱۰۸-۱۱۴-۱۱۶
دابه / دابه الارض: ۸۶-۹۷	ترک: ۷۲
دادتک: ۲۲	تکریت: ۷۸
داود: ۱۶-۱۸	تورات / عهد عتیق: ۱۶-۱۷-۱۹-۲۵
دجال: ۷۶-۸۶-۸۷-۹۰	جاماسب: ۲۳
دمشق: ۷۸	جاماسب نامه: ۲۳
دید: ۲۱	جبرئیل: ۶۳
دیلم: ۷۲	جزیره: ۷۸
رام: ۲۲	جمادی: ۹۵-۹۷
راهنما: ۲۲	چین / چینی: ۲۵

## ۱۱۹ / نمایه

شا کمونی: ۲۱	رجب: ۸۲-۹۵-۹۷
شامیان: ۷۶-۸۳	رسول اکرم (ص) ← پیامبر اسلام (ص)
شاه زمان: ۲۳	رکن: ۱۱۱
شعبان: ۸۲	رمضان: ۷۶-۸۳
شعیب بن صالح: ۷۸	رومی: ۷۰
شیخ مفید: ۱۰۶	ریک ودا: ۲۱-
شیطان/ابلیس: ۷۵-۸۴-۸۶	زبور: ۱۶
صفینا: ۱۹	زیر: ۱۰۴
صیحه (آسمانی): ۷۶-۸۷-۹۸	زرتشت / زرتشتیان: ۱۵-۲۲-۲۳-۲۴
طاغوت: ۸۱	زکریا: ۱۹
طالقانی (سید محمود): ۵۴	زند: ۲۳
عبدالرحمن بن عوف: ۱۰۴	ژرمن: ۲۴
عتبه بن اباسفیان: ۷۹	ساره: ۴۷
عرش: ۸۷-۱۰۴	ساکسون: ۲۵
عرفه: ۴۳	سانسکریت: ۲۲
علی بن ابیطالب ← امام علی (ع)	سفر پیدایش: ۱۷-۱۸
عمر: ۱۰۴	سفیانی: ۶۳-۶۵-۷۴-۷۸-۸۲-۹۰
عوف سلمی: ۷۸	سفینه البحار: ۵۸-۱۰۳
عیسی (ع): ۸۶-۸۹	سعد السعود: ۸۴
غیبت نعمانی: ۴۰-۴۲-۵۲	سلیمان: ۱۹
فاطمه زهرا (س): ۷۱-۸۹-۱۱۶	سمرقند: ۷۸
فرخنده: ۲۲	سمو عیل اول/دوم: ۱۹
قرآن: اکثر صفحات	سودان: ۲۱
قسطنطنیه: ۷۰	سیدابن طاووس: ۸۴
قطب شمال: ۲۱	سیستان: ۹۰
قم: ۵۷-۵۸-۱۰۳	شاهوهرگان: ۲۲

## ۱۲۰ / بر ساحل انتظار

مفیس: ۲۶	کابل: ۲۴
منصور: ۲۱	کره زهره: ۳۲
موسی (ع): ۴۷-۸۸-۱۰۷	کره ماه: ۳۳
مولیر: ۲۲	کشن: ۲۱
مهدی (عج): اکثر صفحات	کرا یوج (مارکو): ۲۴
مهر آزمای: ۲۳	کرشنا: ۲۵
ناصری: ۷۶	کلدانیان: ۱۷
نوح (ع): ۳۶	کمال الدین: ۴۱-۴۵
واسن: ۲۵	کنز الاعمال: ۱۰۵
وشنجوک: ۲۱	کوترلکوئل: ۲۵
ویشنو: ۲۱-۲۴	کیخسرو: ۲۴
مادی: ۲۲	گاتها: ۲۴
هارون: ۴۷	گرازاسیه: ۲۴
هندیان: ۲۰-۲۲	ماشیح: ۲۵
یسی: ۱۸	مانویه: ۲۲
یعقوب: ۱۸-۱۰۶	مجموعه حکمت: ۵۵
یهود / یهودی: ۱۵-۱۸-۲۵-۷۵	محمد: ۲۲
یهودا: ۱۸	محمد رضا پهلوی / شاه: ۵۷-۸۲
یهوه: ۱۷	محمود: ۲۲
	مدینه: ۶۳
	مزامیر: ۱۶
	مریم: ۶۱
	مسیح / مسیحیان / نصاری: ۱۵-۲۵-۷۵
	مصر / مصریان: ۲۵
	مقام: ۱۱۱
	مناظا: ۲۲

## «منابع»

- ۱- خورشید پنهان آقای مهدی پور
- ۲- امام مهدی (ع) شهید باقر صدر
- ۳- کنز الغنائم آیت ا... موسوی اصفهانی
- ۴- نور الابصار آیت ا... موسوی اصفهانی
- ۵- خورشید مغرب محمد رضا حکیمی
- ۶- مجموعه مقالات ج ۲ احیاء انتظار فرج حجت الاسلام موسوی  
کاشمیری
- ۷- قرآن
- ۸- بحار الانوار ج ۱/۵۲/۵۳/۱۰۱
- ۹- الملاحم والفتن
- ۱۰- اصول کافی
- ۱۱- شرح احادیث طینت آقا جمال
- ۱۲- الحاوی للفتاوی
- ۱۳- احتجاج طبرسی
- ۱۴- غیبت شیخ طوسی
- ۱۵- ینابیع الموده سعید شبیر
- ۱۶- کمال الدنی

## ١٢٢ / بر ساحل انتظار

١٧- غيبت نعماني

١٨- يوم الخلاص ج ١-٢

١٩- مفاتيح الجنان

٢٠- منتخب الاثر

٢١- الزام الناصب

٢٢- عيون الاخبار

٢٣- ارشاد مفيد

٢٤- سفينه البحار

٢٥- كثر العمال

# منتشر شد

نویسنده: محمد حاج محمدی

گذر از خامی

## انتشارات فروغ نور یزودی

### منتشر می کند

- (۱) صد پند مهنا نویسنده: محمد حاج محمدی
- (۲) از دریا به دریا «چاپ دوم» نویسنده: محمد حاج محمدی
- (۳) برفراز ابر نویسنده: محمد حاج محمدی